نسیم جنوب

www.nasimjonoub.com

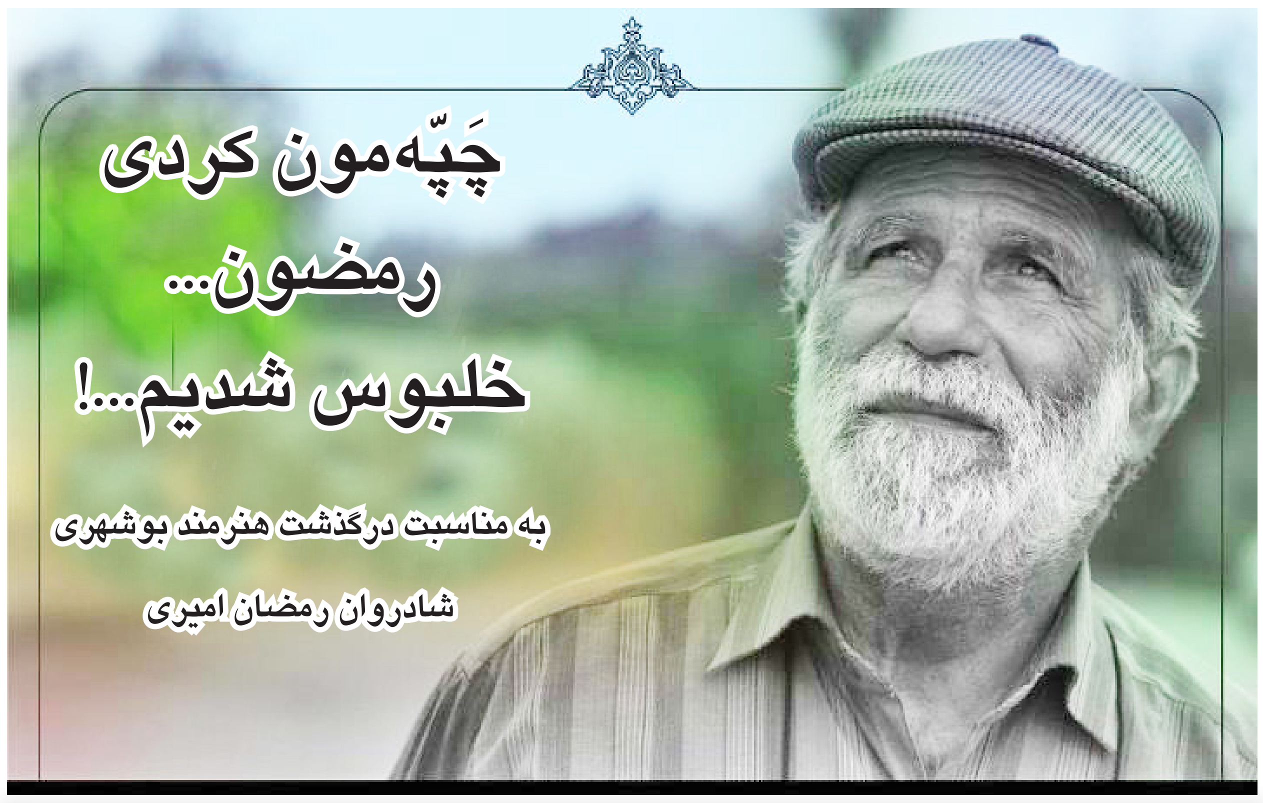
سال پانزدهم - شماره ۶۶۲ - یک شنبه۲۴ اردیبهشت ۱۳۹۱ - ۸ صفحه - ۵۰۰ تومان



نالایقی مدیران عامل سقوط شاهین



باخت ایرانجوان در جهنم سنگ و فحش



نمک ناکامی ایرانجوان بر زخم سقوط شاهین

صفحه ۸

مسوولان استان خیلی راحت پشت شاهین را خالی کردند

غربت محسن شریفیان و گروه موسیقی لیان در بوشهر



صفحه۴

ممانعت از برگزاری موسیقی محسن شریفیان و گروه مروارید لیان در جشن خیریه

خانواده محترم امیری

با کمال تاسف و تالم در گذشت فرهیخته ی گرامی ، پیشکسوت تاتر استان و انسانی پاک و وارسته مرحوم رمضان امیری را به شما تسلیت عرض نموده برای آن مرحوم، روانی شاد و خلدی برین و برای باز ماندگان صبر و شکیبایی آرزومندیم .

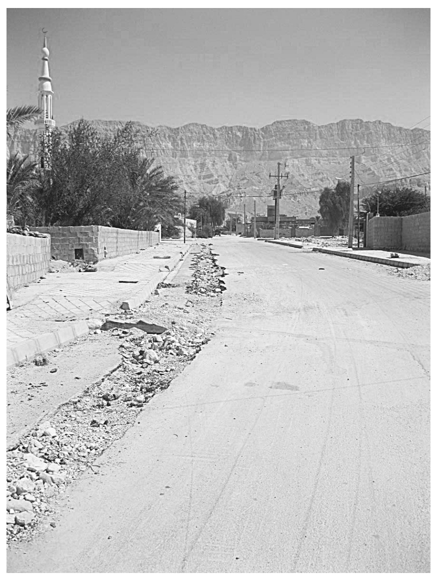
انجمن بوشهری های مقیم تهران

خبر
شماره ۶۶۲ - یک شنبه ۲۴ اردیبهشت ۱۳۹۱
NASIM JANOUB

بعد از دو سال، هنوز گاز به خانه های عسلویه نرسیده

حدود دوسال پیش قرار بود پروژه ی گاز رسانی به شهرها و روستاهای منطقه ی عسلویه اجرا شود. به میمنت! قولهای مسئولین ، این پروژه خیلی سریع اجرایی و عملیات حفر کانال برای لوله ها از سر گرفته شد.
در آن زمان ، پروژه های آسفالت کردن خیابان ها هم شدت بیشتری داشت و پیشرفت طرح ها بالا بود.
این طور شد که پیمانکاران طرح های گاز رسانی به روستاها و شهرهای پایتخت گاز ایران ، به آسفالت های خیابان های این منطقه ، بدون توجه به هیچ معیار و قانونی تعدی کرده و صحنه ی وحشتناکی برای خیابان به جا گذاشتند.
ناهماهنگی های تام بنیاد مسکن و منطقه ویژه (مسئولین طرح آسفالت در این منطقه) با پیمانکاران طرح گاز رسانی به شهرها و روستاها موجب هدر رفتن صدها میلیون هزینه از بیت المال شده و باعث زشت کردن خیابان ها شدند.
سوال مهم اینجاست که چرا کسی به محاسبه ی کار این افراد اقدام نمی کند؟ مگر اینان نیستند که قبل از هر پروژه ای زیر دهها برگ و سند امضا می کنند و متعهد انجام کار نمیشوند؟ مگر اینان نیستند که صدها میلیون بلکه میلیاردها تومان برای طرح ها طلب می کنند؟! آیا آنها تعهدی به کار خود ندارند؟ آیا این عدم محاسبه ی باعث همه گیر شدن این اتفاقات نمی شود؟
چرا مسئولین بخش و شهرستان، چاره ای برای این اتفاقات نمی اندیشند؟ آیا توانایی این کار را ندارند که مقصرین اینگونه پروژه ها را پیدا و محاسبه کنند؟

منبع: اینجا بندوست



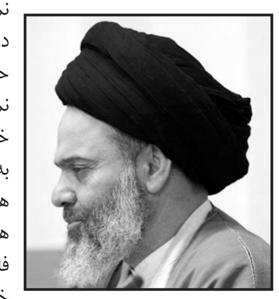
غبار تیرگی بر فعالیتهای صنعتی استان بوشهر؛ کارخانه اعتمادیه بوشهر در حال فروپاشی

طبق اخبار رسیده، دستگاه های ریسندگی و بافندگی مربوط به کارخانه اعتمادیه در حال انتقال و فروش است. این در حالی است که کارخانه مذکور نه تنها به نوعی تاریخ صنعت استان محسوب می شود، بلکه به نظر می رسد به لحاظ قدمت جزء اولین کارخانه های ریسندگی در منطقه خلیج فارس باشد.
به گزارش "پایگاه اطلاع رسانی بُنا"؛ این واقعه تلخ در حالی دارد به وقع می پیوندد که مدیران کل میراث فرهنگی، صنعت و معدن و تجارت استان و شهردار بوشهر در غفلت به سر می برند. این کارخانه قدیمی که در واقع بخشی از هویت شهر بوشهر و تاریخ صنعت استان محسوب می شود در حال فروپاشی است و دستگاههای موجود در آن به فروش خواهد رسید. رئیس شورای شهر بوشهر در گفتگویی تلفنی با خبرنگار بُنا در این خصوص گفت: قطعاً خیلی از دستگاه های آن دارای ارزش و اعتبار تاریخی است و نباید این دستگاه ها از بوشهر خارج شود.
وی افزود: اتفاق دیگری که در حال وقوع است تفکیک زمین این کارخانه و تبدیل آن به قطعات کوچک تر و تخریب مستحدثات آن بدون رعایت ضوابط و مقررات می باشد.
مسعود شکوهی گفت: ما شرایط اقتصادی و وضعیت بغرنج فعلی صنعت استان را به خوبی درک می کنیم، اما این وضعیت نباید باعث از بین رفتن میراث تاریخی استان شود و اگر قرار است اتفاقی رخ دهد باید با مطالعه و زیر نظر مراجع رسمی صورت پذیرد.
رئیس شورای اسلامی شهر بوشهر در پایان از مدیران کل میراث فرهنگی ، صنعت و معدن و تجارت استان و شهردار بندر بوشهر خواست تا این موضوع را به جد پیگیری نمایند.

دانشگاه علوم پزشکی در نامه ای به شهردار:
بساط دستفروشها را جمع کن

پایگاه اطلاع رسانی بُنا: گفته می شود عرضه فرآورده‌های آرایشی و بهداشتی در پیاده روها و جمعه بازارها توسط دستفروش‌ها ممنوع و غیر مجاز اعلام شده است.
گفتنی ها حاکی از آنست فروش و عرضه مواد آرایشی و بهداشتی در پیاده‌روها و جمعه بازارها توسط دستفروشان غیر مجاز است و به دلیل افزودن خطر عرضه اقلام قاچاق و تقلبی و تهدید سلامت مصرف کنندگان مورد تأئید معاونت غذا و داروی دانشگاه علوم پزشکی بوشهر نیست.
دکتر رضایی، معاون غذا و داروی دانشگاه علوم پزشکی بوشهر در اینباره به خبرنگار بُنا گفت: در نامه ای خطاب به شهردار محترم بوشهر از وی خواسته ایم تا نسبت به جمع آوری اقلام یادشده، و پیشگیری، اقدام عاجل به عمل آورند.

نماینده مردم بوشهر در مجلس خبرگان:
حضرت فاطمه (س) اسوه همه خوبی هاست



نماینده مردم استان بوشهر درمجلس خبرگان رهبری گفت: حضرت فاطمه (س) اسوه و نمونه همه خوبی بندگان شایسته خداوند است.
به گزارش ایرنا، آیت الله سید هاشم حسینی بوشهری روز شنبه همزمان با میلاد خجسته حضرت فاطمه زهرا (س) و حضرت امام خمینی (ره) درگفت وگو با ایرنا افزود: فاطمه در بعد عبادت، حمایت از ولایت، اخلاق و توجه به هم نوع، همسرداری و تربیت فرزند از هر نظر نمونه است. وی یادآورشد: اگر بگوییم فاطمه دختر نمونه، مادر و همسر نمونه است مبالغه آمیز و سخنی به گزاف نیست. امام جمعه موقت قم اضافه کرد: فاطمه (س) در حقیقت یک مجاهد نمونه در کنار پیامبر بود که در تمام مشکلات و ناملایمات آرامش بخش وجود نازنین آخرین فرستاده خدا بود. وی ادامه داد: عظمت و شان مرتبه فاطمه نه بخاطر انتساب آن حضرت به پیامبر (ص) است بلکه شخصیت فاطمه زهرا (س) خود سرشار از کمالات انسانی است.
حسینی بوشهری گفت: فاطمه (س) مام امامان است و بعد از امام علی (ع) دارای چنان شخصیتی است که در کلام معصومان آمده که فاطمه حجت برماست. نماینده مردم استان بوشهر در مجلس خبرگان رهبری اظهارداشت: آنچه که برای جامعه امروز مهم است اینکه از فاطمه و زندگی آن حضرت الهام بگیریم و فاطمه را الگو و سرمشق زندگی خود قرار دهیم.

یک ماه از قطع خطوط تلفن ثابت چغادک می گذرد

نزدیک به یک ماه می باشد که تلفن های برخی از نقاط شهر چغادک قطع می باشد ودلیل این قطعی نیز مشخص نمی باشدوشنیده شده در برخی از مناطق شهر بوشهر(بهمنی) نیز خطوط تلفن های ثابت دچاراختلال شده است. یکی از ساکنان شهرچغادک درگفتگو کوتاهی با خبرنگارجنوب پرس در این رابطه اظهارداشت: الان نزدیک به یک ماه است که تلفن ثابت ما به دلایل نامعلومی قطع می باشد وبه هر کجا مراجعه می کنیم پاسخ قابل قبولی دریافت ننموده ایم.
این شهروند چغادکی با بیان اینکه این قطعی تلفن مشکلات زیادی برای ما ایجاد کرده،اظهارداشت:یکی از مشکلات ایجاد شده باعث قطعی اینترنت خانگی ما شده است که امیدواریم این مشکل هرچه سریع برطرف شود.

اعتراض دانشجویان به مشکلات دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر



نشست پرسش و پاسخ دانشجویان و مسئولان دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر با مطرح شدن مشکلاتی همراه بود که برخی از این مشکلات همواره مطرح و بدون مرتفع‌شدن در جلسات بعد نیز تکرار می‌شوند. به گزارش خبرنگار مهر، نشست پرسش و پاسخ دانشجویی محلی است برای مطرح شدن مشکلات دانشجویانی که از درس و کلاس و وقت خود می زنند تا در این جلسات حضور یابند و بتوانند مشکلات خود را مطرح سازند. مهمترین دلیلی که برای مطرح شدن مشکلات وجود دارد، رفع این مشکلات است ولی معمولا شاهد تکرار بسیاری از این مشکلات در نشست‌های مختلف هستیم و همین تکرار بیانگر حل نشدن و شاید پیگیری نشدن این مشکلات است. نشست پرسش و پاسخ دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر که یکی از بزرگترین دانشگاه‌های خاورمیانه است در حالی برگزار شد که به علت مصادف بودن این نشست با کنکور کارشناسی ارشد و نیمه تعطیل بودن دانشگاه در این روز، دانشجویان زیادی در این نشست حضور نداشتند. مشکلات دانشجویی یکی یکی بیان شد و دانشجویان به صورت کتبی و یا شفاهی مشکلات خود را بیان می کردند ولی برخی از مسائلی که در این بین مطرح می‌شد تکراری بود و پاسخ‌های تکراری را در پی داشت. از مشکلاتی که دانشجویان برای انتخاب واحد داشتند گرفته تا اعتراض نمرات و کمبود سرویس های ایاب و ذهاب دانشگاه که در چندین مورد مطرح شد و از جمله مسائلی است که همواره مورد اعتراض دانشجویان است و حل نشده و در جلسات و نشست‌های بعدی نیز مطرح می‌شود.

کیفیت پائین سلف سرویس و اذعان مسئولان به این مسئله

یکی از مهمترین مشکلاتی که همواره مورد بحث است کیفیت پائین خدمات ارائه شده توسط سلف سرویس غذای دانشگاه است که البته این موضوع را مسئولان دانشگاه هم قبول دارند. یکی از دانشجویان در مطرح کردن مشکلات به این موضوع اشاره کرد و اظهار داشت: کیفیت‌غذای دانشگاه قابل مقایسه با دیگر دانشگاه‌ها نیست و هم از نظر کیفیت و هم از نظر کمیت وضعیت نامناسبی دارد. این دانشجو تمیز نبودن ظروف سلف سرویس را یکی دیگر از مشکلات این قسمت عنوان کرد و گفت: این موضوع نیازمند پیگیری جدی مسئولان دانشگاه است. نکته قابل توجه در قبال بیان این مشکلات پاسخ مسئولان حاضر در نشست بود. معاون دانشجویی دانشگاه، معاون آموزشی دانشگاه و رئیس دانشکده فنی و مهندسی که بعنوان نمایندگان دانشگاه در این نشست حاضر بودند بر پائین بودن کیفیت خدمات سلف سرویس صحه گذاشتند. مسئولان دانشگاه با بیان اینکه ما نیز یا به سلف سرویس نمی‌رویم و یا به ندرت به آنجا می‌رویم این موضوع را توجیه کردند تا این مشکل نیز همچنان باقی بماند و شاید در جلسات آینده نیز مطرح و چنین پاسخ‌هایی را در پی داشته باشد.

مشکلات اینترنت بی‌سیم و سرعت پائین آن

مشکل دیگری که همواره در دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر وجود دارد، قطع و وصل مکرر اینترنت بی‌سیم در دانشگاه و یا کاهش بیش از حد سرعت اینترنت است که دانشجویان را با مشکلات زیادی مواجه کرده است.
یکی از دانشجویان با مطرح کردن این موضوع اظهار داشت: در دانشکده فنی که دانشجویان نیاز زیادی به اینترنت دارند شاهد قطع و وصل مکرر اینترنت هستیم که مشکلات زیادی را برای ما ایجاد می‌کند. این دانشجو اضافه کرد: یکی دیگر از مشکلاتی که در این زمینه وجود دارد، پائین بودن سرعت اینترنت است که شاهد نوسان بسیار زیادی در سرعت اینترنت هستیم و در برخی موارد سرعت اینترنت به ۱۰ کیلو بایت بر ثانیه می‌رسد. پاسخ رئیس دانشکده فنی هم در این مورد جالب توجه بود. دکتر نجفی در پاسخ به این مشکل گفت: خدا را شکر کنید که این سرعت اینترنت ۱۰ و یا ۱۵ کیلوبایت بر ثانیه را دارید. این سرعت خوبی است ما به کمتر از این سرعت هم راضی هستیم.

تعطیلی پنجشنبه های ادارات بوشهر، خارج کردن یک واحد نیروگاهی ۵۰ میلیارد تومان

مدیرعامل شرکت توزیع نیروی برق استان بوشهر گفت :با توجه به افزایش۲۵ هزار مشترک انرژی برق در استان در سال جاری ، پیش بینی می شود با تعطیل شدن روز پنج شنبه حدود ۶۰ مگاوت کاهش مصرف در این روز اتفاق بیافتد که به مثابه خارج کردن یک واحد نیروگاهی با سرمایه گذاری و نگهداری ۵۰ میلیارد تومان است .
مدیرعامل شرکت توزیع نیروی برق استان بوشهر افزود:بررسی های انجام شده در زمینه تعطیلی ادارات دولتی در استان در روز پنج شنبه در سال گذشته نشان دهنده به ازاءهر روز تعطیلی در این روز معادل ۱۶۰ میلیون تومان صرفه جویی انرژی برق انجام شده است . وی اضافه کرد: مصرف کل برق استان در سال ۹۰ ، ۳ میلیارد و ۷۰۰ میلیون کیلو بایت ساعت بوده است که ۳/۲ آن در تابستان مصرف شده است که با تعطیلی روز پنج شنبه درمجموع ۴۰۰ کیلو بایت ساعت که تقریبا ۱۱ درصد کل مصرف برق مصرفی سال ۹۰ بوده است صرفه جویی شده است . رضوی اضافه کرد: با توجه به افزایش۲۵ هزارمیزان مشترکان انرژی برق در استان در سال جاری ، پیش بینی می شود با تعطیل شدن روز پنج شنبه حدود ۶۰ مگاوت کاهش مصرف در این روز اتفاق بیافتد که به مثابه خارج کردن یک واحد نیروگاهی با سرمایه گذاری و نگهداری ۵۰ میلیارد تومان است.
این مقام مسئول در خصوص بیشترین نقاط مشکل داراستان در زمینه انرژی برق عنوان کرد :بیشترین چالش برق استان با توجه به گرما و آلودگی تجهیزات بدلیل ریزگرده ها در عسلویه و کنگان است ./منبع:سوک

انتقاد عضو شورای شهر بوشهر از وضعیت ته لنجی



داریوش پوربهی گفت: قانون جدید ته لنجی باعث سخت شدن معیشت لنج داران و ملوانان شده است. به گزارش روابط عمومی شورای شهر بوشهر؛ عضو شورای شهر افزود: دستور العمل جدید ته لنجی باعث نارضایتی شدید لنج داران و ملوانان شده است و درخواستی که از مدیران حوزه اقتصاد استان داریم این است که به هرنحوممکن برای حل مشکل ته لنجی (کالای همراه ملوان) تدبیرکند تا ملوانان شناورهای سفاری بصورت قانونمند به فعالیت خود ادامه دهند.
وی افزود: با توجه به این که بیشتر مردم استان بوشهر ازطریق تجارت و بازرگانی امرارمعاش می کنند، مشکل بوجود آمده در مورد قانون جدید ته لنجی تأثیر زیادی بر زندگی معیشتی مردم می‌گذارد و آثار منفی دارد.
پوربهی گفت: دولت در بنادر تجاری سرمایه گذاری زیادی انجام داده است تا مردم بتوانند براحتی زندگی کنند و امرار معاش خودرا از این طریق به دست آورند که امیدواریم قانون جدید ته لنجی که باعث ایجاد مشکلاتی برای ملوانان و لنج داران شود به هر نحو ممکن اصلاح شود.

قتل دو کودک خردسال توسط مادر در کنگان

یک مادر در شهر کنگان دو کودک خردسال خود را از پای درآورد. به گزارش بوشهرنیوز، این مادر که گفته می شود دچار افسردگی پس از زایمان بوده، دو کودک هشت ماهه و پنج ساله خود را خفه کرد. این دو پسر ، ساعت ۱۱ صبح توسط مادرشان به قتل رسیدند.

آنچه باید در مورد تالاسمی بدانیم

واحد پیشگیری و مبارزه با بیماریها

معاونت بهداشتی دانشگاه علوم پزشکی بوشهر

بیماری تالاسمی بعنوان یک معضل بهداشتی، سلامت مردم را تهدید کرده و هرساله بخش عظیمی از بودجه سلامت کشور را به خود اختصاص می‌دهد، با توجه به سیاست وزارت بهداشت در زمینه تامین، حفظ و ارتقاء سطح سلامت جامعه و همچنین با توجه به امکانات موجود و نیز مصوبه هیات وزیران درخصوص اجباری کردن آزمایش‌های تالاسمی، طرح پیشگیری از بروز موارد جدید بتا تالاسمی ماژور با استراتژی غربالگری تالاسمی در داوطلبین ازدواج از ابتدای سال ۱۳۷۶ در کل ایران به اجرا درآمده است.
بدیهی است که آنچه باعث موفقیت این برنامه می‌شود علاوه بر دانش و دقت برنامه ریزان، به آگاهی افراد جامعه نسبت به بیماری ها و وضعیت هر فرد نیز بستگی دارد.
با توجه به این مهم که کشور ما جمعیتی جوان، خلاق، دارای اشتیاق به سازندگی، گرایش به بازسازی، نوسازی، نوآوری، تحقیق و تمایل به پاسخ به نیاز امروز خود و سایرین دارد. در این مطالب سعی شده بیماری تالاسمی، راههای پیشگیری، آشنایی با خدمات مراکز مشاوره ویژه تالاسمی، مراکز تشخیص قبل از تولد و در نهایت پیشگیری از تولد کودکان مبتلا به تالاسمی به شما نسل جوان معرفی شود.

پراکندگی تالاسمی در جهان

بیماری تالاسمی در سراسر جهان و در همه ی نژادها دیده می شود، ولی شیوع آن در نواحی مدیترانه (ایتالیا، قبرس و جزیره ی سیسیل)،خاورمیانه (ایران، ترکیه و سوریه)، آسیا(هندوستان و پاکستان و ناحیه ی جنوب شرقی) بیشتر بوده و از جنوب غربی اروپا تا خاور دور امتدادیافته و در نواحی وسیعی از آفریقای مرکزی نیز دیده می شود. دلیل این شکل توزیع ، بیماری مالاریا بوده که به شکل بومی و برای قرون متمادی دراین نواحی شیوع داشته است. انگل مالاریا از راه نیش پشه ی آنوفل واردخون شده و در داخل گلبول های قرمز تکثیرمی یابد. این انگل درگلبول های قرمز ناقلین ژن تالاسمی که عمر کوتاه تری دارند نمی تواندبه رشد و تکثیر خود ادامه دهد، درنتیجه بیماری متوقف می شود و بیماراز مالاریا نجات خواهد یافت. بنابراین مالار یا در افراد سالم بیش ازافراد سالم ناقل (مینور) می باشد و درنتیجه مرگ ومیر آنان بیشتر است.
بنابراین ا فرادی که یک ژن هموگلوبین طبیعی و یک ژن تالاسمی داشته اند)افراد سالم ناقل (در مقابل بیماری مالاریا مقاومت کرده و ژن تالاسمی را به نسل بعد منتقل کرده اند.

پراکندگی تالاسمی درایران

این بیماری در تمام کشور پراکنده است، اما در نواحی حاشیه ی دریای خزر (استان های گیلان، مازندران و گلستان) نواحی حاشیه ی خلیج فارس ودریای عمان (بوشهر، هرمزگان و سیستان و بلوچستان)، خوزستان، فارس و جنوب کرمان شیوع بیشتری دارد.

تعریف و تاریخچه

تالاسمی یکی از شایع ترین اختلال ها و بیماری های خونی است که به صورت ژنتیک از نسلی به نسل دیگر منتقل می شود. تالاسمی یک واژه ی یونانی و مرکب از دو واژه ی تالاسا به معنی دریا و امیا به معنی خون است. اولین بار در سال ۱۹۲۵ میلادی توسط یک دانشمند آمریکایی بنام کولی بیماری تالاسمی معرفی شد که گاهی به آن بیماری کولی هم می گویند .

علائم بیماری بتا تالاسمی شدید

کودکان مبتلا به بیماری تالاسمی بعد از تولد هیچ فرقی با سایر کودکان ندارند، ولی از حدود ٦ ماهگی تا ٢سالگی علائم کم خونی را از خود نشان می دهند و زرد و رنگ پریده می شوند. شب ها به راحتی نمی خوابند،درست غذا نمی خورند و ممکن است استفراغ کنند. از علائم دیگر این بیماری ضعف و بی حالی است.

عوارض بیماری بتا تالاسمی شدید

با بزرگتر شدن کودک عوارض بیماری مانند. تغییر چهره و بزرگی سر، این علامت به راحتی قابل تشخیص ورؤیت است. بزرگ شدن قلب ، اختلال در کار غدد و بزرگ شدن طحال ،تشخیص این علائم با تشخیص پزشک و انجام آزمایشها ممکن است.این کودکان بخاطر کم خونی به صورت مداوم به تزریق خون نیاز دارند و چون تزریق خون باعث افزایش آهن بدن می شود لذا لازم است ماده دفع کننده آهن به نام آمپول دسفرال نیز برای این کودکان تزریق شود.

ناقل تالاسمی کیست ؟



IRNA

تمام ویژگی ها اعم از رنگ چشم، مو، قد از والدین به ما به ارث می رسد و برای انتقال برخی صفت ها دو عامل به نام ژن لازم است که یکی از پدرو دیگری از مادر به ارث می رسد . اگر شخصی تنها یک عامل (ژن) معیوب را از یکی از والدین خود دریافت کند بیمار نخواهد شد و به این شخص ناقل یا تالاسمی مینور یا مبتلا به نوع خفیف تالاسمی می گویند که می تواند عامل (ژن)معیوب را به فرزندان خود منتقل کند بدیهی است فرزند او نیز اگر فقط یک ژن معیوب را از والدین خود (پدر ومادر)دریافت کند تنها ناقل بوده و بیمار محسوب نمی شود.در حالی که در تالاسمی ماژور یا شدید شخص دو عامل (ژن) معیوب را از والدین خود دریافت می کند (پدر ومادر هر دو ناقل هستند) . این دو ژن یا با هم یکسان و یا متفاوت هستند

چه زمانی احتمال ابتلا به بیماری بتا تالاسمی شدید وجود دارد؟

اگر پدر و مادر هر دو سالم ناقل باشند ، در هر بارداری یک چهارم یا۲۵درصد احتمال وجوددارد که هر دو ژن ناسالم به کودک به ارث برسد و فرزند آنها مبتلا به بیماری تالاسمی (ماژور) شود. به همین دلیل لازم است در هر بارداری ابتلای کودک به بیماری بررسی شود و تولد یک یا چند فرزند بیمار، دلیلی بر به دنیا آمدن کودک سالم در حاملگی های بعدی نیست.

راههای پیشگیری از بیماری تالاسمی

امروزه زوج های سالم ناقل (مینور) که خطر داشتن فرزند مبتلا به بیماری تالاسمی(ماژور) آنها را تهدیدمیکند، راه های متعددی در پیش رو دارند:
* یکی از راه های پیشگیری از بیماری تالاسمی (ماژور) این است که دو فرد سالم ناقل (مینور) با یکدیگر ازدواج نکنند.
* چنانچه دو زوج سالم ناقل(مینور) با هم ازدواج کنند می توانند یکی از راه های زیر را انتخاب کنند:
الف) یک راه این است که زوج های ناقل پس از ازدواج بچه دار نشوند.
ب) انتخاب فرزندخوانده یکی دیگر از راه ها است.
ج) راه دیگر استفاده از خدمات تشخیص قبل از تولد می باشد.

تشخیص پیش از تولد

خدمات تشخیص پیش از تولد این امکان را برای زوج های سالم ناقل (مینور) فراهم ساخته است تا درخصوص سلامت یا ابتلا به بیماری تالاسمی (ماژور) فرزند خود در دوره ی جنینی مطلع شوند.
اساس تشخیص قبل از تولد بر پایه ی انجام دو مرحله ی مقدماتی و تکمیلی است:
مرحله ی مقدماتی : بررسی وضعیت ژنتیک زوج های ناقل تالاسمی برای تعیین نوع نقص ژن در هر یک از زوج ها قبل از بارداری است.
گاهی لازم است تعداد زیادی از خویشاوندان (والدین، برادران ، خواهران ،عمه، خاله، عمو و دایی) برای تشخیص قطعی در انجام آزمایش های تشخیص قبل از تولد مورد بررسی قرارگیرند که مستلزم صرف وقت،حوصله ی کافی و بضاعت مالی است

بهترین زمان برای انجام آزمایشهای مرحله ی مقدماتی قبل از بارداری است.

مرحله تکمیلی : بررسی و ضعیت ژنتیک جنین و تشخیص قطعی ابتلا یا سالم بودن جنین است
آزمایش های مرحله ی تکمیلی بعد از بارداری در هفته ۸-۱۲ بارداری(در اوایل سه ماهگی) با نمونه برداری ازجنین انجام می شود. بعد از دریافت نتیجه ،در صورت ابتلای جنین به بیماری تالاسمی (ماژور) چنانچه از نظر شرعی و قانونی سن جنین از تاریخ معین نگذشته باشد (حداکثر هفته ی ١٦ بارداری) مجوز ختم حاملگی توسط پزشکی قانونی صادر می شود .

نکته : برای هر بار حاملگی انجام آزمایش های مرحله تکمیلی ضروری خواهد بود.

نکات قابل توجه :

کلیه داوطلبین ازدواج بایستی قبل از جاری شدن صیغه عقد شرعی برای انجام آزمایشات تشخیصی تالاسمی مراجعه کنند در واقع این عمل باید به عنوان اولین اقدام قبل از تدارک مراسم ازدواج انجام گیرد ضروری است بدانیم در هنگام انجام آزمایش تشخیص تالاسمی قبل از ازدواج چنانچه با انجام آزمایش اول تشخیص قطعی حاصل نشود ممکن است لازم باشد زوجین داوطلب ازدواج به مدت سه ماه تحت آهن درمانی قرار گرفته و سپس آزمایش های تکمیلی به عمل آید بنابراین افراد باید همه اقدامات و تصمیمات دیگر را برای مراسم ازدواج به بعد از کسب نتایج آزمایشات نهایی تشخیص تالاسمی موکول نمایند.
ناقل تالاسمی هیچ مشکلی ندارد. اهمیت ناقل بودن زمانی است که شخص توجه داشته باشد که همسر انتخابی وی ناقل نباشد وچنانچه هر دو نفر (زوج و زوجه) ناقل باشند بایستی پیش از هر اقدامی مشاوره تالاسمی در مرکز بهداشتی درمانی ویژه مشاوره تالاسمی که در هر شهرستان به این منظور اختصاص یافته انجام شده و در صورت تصمیم به ازدواج جهت انجام مشاوره ژنتیک به یکی از آزمایشگاههای معتبر کشور مراجعه شود.

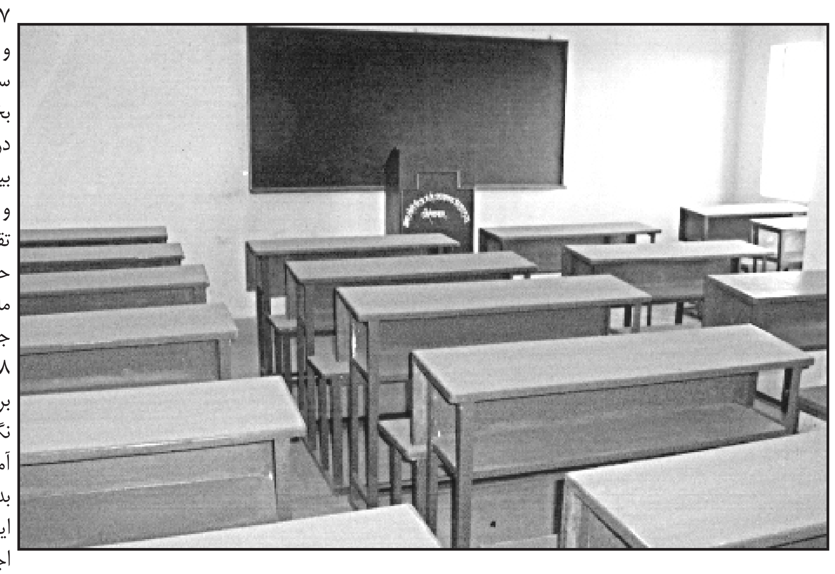
آموزش رسمی؛ آموزش واپسگرا

علی طایفی

مشکل عمده و دلیل ساختاری عقب ماندگی و درجا زدن در فرآیند فرسایشی و پر از رفت و برگشت‌های دورانی در نهادینه شدن نوگرایی یا مدرنیزم در ایران، ذهنیت واپسگرایی است که با بازتولید ساختارهای عینی ملازم با تقویت آن، همواره مانع از تحول فکری و فرهنگی شده است. از آنجایی که آموزش پدیده‌ای بین نسلی بوده و کارگزاری کنونی آموزش در کشور از سالهای پس از انقلاب تا کنون بر ذهن و اندیشه کودکان دیروز (بزرگسالان امروز) و امروز (بزرگسالان فردا) اثر گذارده است.

در این نوشتار اهتمام بر این است که به یکی از زیر ساخت های موثر بر این ذهنیت یعنی ساختار آموزش رسمی واپسگرا در کشور از ابعاد کیفی پرداخته شود.

ساختار آموزش در کشور علاوه بر نارسایی‌های کمی خود از ناکارآمدی‌های کیفی دیگری نیز رنج می‌برد که در کل محصول ناباوری به کارکردهای این نهاد از دیدگاه متولیان حکومت دینی و سنتی در ایران امروز است. برخی از اهم این نارسایی‌ها عبارتند از:



۱. ایدیولوژیک شدن و برخورد گزینشی در تدوین متون و محتوای آموزشی بویژه در تاریخنگاری ، علوم اجتماعی و تعلیمات دینی که با وجودیکه منجر به ایجاد نوعی بی‌اعتمادی به تاریخ و وقایع و مربیان و کارکردهای آموزشی در بین آحاد مردم و خاصه جوانان شده است ولی در عین حال آثار منفی خود را در اذهان دانش آموزان دیروز و امروز گذارده و می‌گذارد.

۲. گسترش شکاف میان آموزش رسمی یا حکومتی و غیر رسمی یا مردمی در زمینه تحلیل تاریخ گذشته و معاصر ایران، ارزشگذاری بر شخصیت‌های تاریخی، روش نقد قدرت و الگوی تحلیل سیاسی، حجاب زنان، روابط دختر و پسر، لزوم رعایت ارزشها و هنجارهای دینی رسمی و غیررسمی و... از یکسو بر بی‌اعتمادی میان متولیان و مخاطبان آموزش عمومی افزوده و از سوی دیگربه انشقاق اجتماعی اقشار مردم و بروز شرایط پارادوکسیکال منتهی شده است.

۳. گذشته گرایی در ساختار اندیشگی متولیان دینی و به تبع آن برنامه ریزان درسی که میبایست برای تربیت نسل متعلق به آینده باورویکرد آینده نگر به تحلیل مسایل وچاره جویی آنها بپردازند ، منجر شده است بسیاری از آموزه‌های درسی وارزشهای مستتر در آن با نیازهای کودک، نوجوان وجوان امروز همخوانی نیابد و زمینه گسست ذهنی کنشگران اصلی آموزش یعنی معلم ودانش آموز تقویت شود.

۴. دنیاگریزی و پست و بی‌ارزش تلقی کردن دنیا (که خود از ریشه "دنی" به معنای پست برمیآید) اساسا با نگاه جستجوگر نسل کنونی که در ارتباط مستمر با یافته‌های علمی و تکنولوژیک جهان اطراف خود می‌باشد و توفیق و سعادت خود را در دنیای زمینی و نه آسمانها و آخرت محض می‌جوید، از دیگر مظاهر تعمیق شکاف و پارادوکس های پیش گفته است.

۵. در تدوین متون آموزشی نوعی اختلاط مفهومی و عملکردی میان علم و شبه علم و حتی علم دروغین وجود دارد که عمدتا در ناتوانی برای پاسخگویی به پرسشهای نوین پیرامون شناخت جهان هستی، طبیعت، انسان، جامعه و مسایل معرفتی، در پی این اختلاط برآمده وبه ادامه تحمیق تاریخی واغفال مردمی روی می‌آورند.

۶. ترویج کیش شخصیت ، فرهنگ ومنش پاتریمونیالیزم یا سلطه موروثی پدرسالارانه، پیرسالاری معنوی و شیخوخیت، شک گریزی و تقلیدگرایی ، نقد گریزی ، تقدس‌گرایی در پدیده‌ها و شخصیت‌ها و اشاعه باورهای خرافی در سرنوشت نویسی و تقدیرگرایی از دیگر مظاهر واپسگرای برنامه‌ریزی آموزشی در ایران امروز می‌باشد.

۷. فقر روحیه جمع گرایی و تربیت اندیشه و تجربه انجام فعالیت های گروهی در ساختار آموزش سنتی و دینی حاکم در بخش رسمی به دلیل احتراز تاریخی دولت در مفهوم ایرانی و دین رسمی از اجتماع بیش از دو نفر در بین مردم از یکسو ؛ و تکثیر عنصر بی‌اعتمادی دربین مردم و تقویت و ترجیح تفرد و زیست اجتماعی حداکثر در پوسته خانواده از سوی دیگر مانع از شکل یابی و تکوین همبستگی جمعی و کار گروهی شده است.

۸. فقر نوپویائی و نوگرایی در اندیشه برنامه‌ریزان درسی در کشور و ضعف نگرش پژوهشی و جستجوگری ، عدم آموزش روش علمی دستیابی به حقیقت بدور از هرگونه پیشداوری منجر به بروز ایستایی مستمر در محتوا و آموزه‌های اجتماعی و فرهنگی شده است. بطوریکه پس از گذشت چند دهه هنوز برخی از دروس از جمله "تصمیم کبری" نه ازحیث تصمیمش و نه شخص کبری و روایت و تصویرگری آن هیچ تغییری نکرده است. بهره گیری از نویسندگانی که با سابقه تحصیلی در فلسفه به نگارش متون دینی و فارسی روی می‌آورند و نه فارسی میدانند و نه دیگر دوستدار دانش‌اند و در مسند مدیریت فرهنگستان زبان فارسی و در عین حال کرسی سیاست نیز تکیه زده‌اند عواقبی جز این نیز نخواهد داشت.

http://sociologyofiran.com

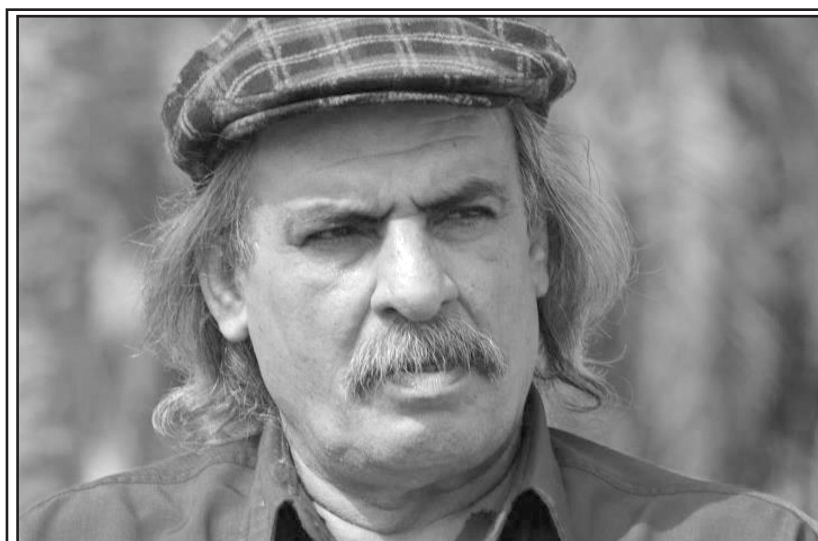
بزرگداشت ایرج صغیری در گناوه

در مجتمع فرهنگی- هنری خلیج‌فارس گناوه، جشن اردیبهشت تئاتر، با حضور پیشکسوتان استان و کشور به همراه تقدیر از ۳۰ نفر از اعضا گروه تئاتر ایلیا و بزرگداشت استاد ایرج صغیری برگزار گردید.

در ابتدای این برنامه محمد مظفری از ایرج صغیری و پرویز پورحسینی دو تن از پیشکسوتان هنر تئاتر که حق بزرگی بر گردن این مرزوبوم دارند، به پاس حضور شان در بندر گناوه تقدیر و تشکر کرد.

مظفری سپس به سابقه و اجراهای گروه هنری ایلیا پرداخت و نمایش دی نوروز در تهران، شرکت در جشنواره آیین‌های سنتی با نمایش گل گلینو، نمایش دی زنگرو، نقالی رئیسعلی، را نمونه‌ای از کارهای گروه دانست.

رئیس انجمن هنرهای نمایشی استان در ادامه به برنامه‌ها و اهدافی که در آینده در دست اقدام دارد اشاره کرد و حرکت به سمت تئاتر خصوصی، اجراهای عمومی، آوردن تئاتر به میان مردم، بکارگیری نیروهای جوان و مستعد و استفاده از آئین‌های بومی و محلی در تئاتر را از اولویت های نخست دانست.



سپس ایرج صغیری پیشکسوت تئاتر که برنامه در تجلیل از سال‌ها بازیگری و آموزش‌های وی در تئاتر کشور و استان برگزار شده بود، به ایراد سخنرانی پرداخت.

وی با تشکر و قدردانی از پرویز پورحسینی که از تهران به بوشهر آمده بود، به ذکر پاره‌ای از ویژگی‌های بازیگری و نقش‌های متفاوتی که وی داشته، از جمله کار وی با بهرام بیضایی و بخصوص بازی در فیلم باشو غریبه کوچک اشاره کرد.

صغیری در ادامه با تعصب به موضوع خلیج‌فارس و جزایر ایرانی ابوموسی، تنب کوچک و بزرگ پرداخت و به ذکر سابقه تاریخی آن‌ها و نقش قدرت‌های خارجی در ادعاهای کشورهای عربی نسبت به این مسئله اشاره نمود.

پیشکسوت تئاتر استان همچنین خاطراتی از آشنایی با بچه‌های تئاتر گناوه بیان کرد. وی بچه‌های گناوه را سرشار از استعداد دانست که بدون مربی تمرین می‌کرده‌اند. وی تمام بازی‌های آن‌ها را نشان‌دهنده استعدادهای درخشانی دانست که نیاز به کمک داشتند و گفت: من خوشحالم که خیلی از این هنرمندان به جایگاه واقعی خود رسیده‌اند.

صغیری، محمد مظفری را یکی از چهره‌های درخشان در عرصه تئاتر معرفی نمود که باید قدرش دانسته شود و گفت: «وی یکی دوبار در کارهای من بازی کرد کارش عالی بود. ساخت گروه هنری ایلیا کار بزرگی بود که باید حمایت شود.»

در پایان صغیری با نقدی به مسئولان ارشاد در ساخت مجتمع فرهنگی گناوه بخصوص سالن تئاتر و نمایش که بدون توجه و مشورت با هنرمندان، انجام شده گفت: «با همه هزینه‌هایی که شده نمی‌شود در آن اجرایی دلخواه و استاندارد به نمایش گذاشت.»

صغیری از مسئولان خواست که بیشتر با اهالی فرهنگ و هنر در ارتباط باشند و از نظرات کارشناسی آن‌ها استفاده ببرند.

زمانی که پرویز پورحسینی به پشت میکروفن رفت، تا دقایقی چند سکوت اختیار کرد. وی که بغض گلویش را گرفته بود گفت: «اصلا نمی‌دانم چرا؟ چقدر محبت! ممنونم از این همه لطف و مهمان‌نوازی، به دو دلیل اینجا آمدم، یک استاد صغیری و دوم، گروه هنری ایلیا که در سطح تهران شناخته‌شده هستند، این باعث افتخار استان، بخصوص گناوه است.»

پورحسینی در ادامه به سابقه آشنایی با ایرج صغیری گفت: «از دهه ۵۰ نام ایشان را شنیدم، از بوشهر، جایی در جنوب ایران.» او سپس انسانیت و حق‌طلبی صغیری را از ویژگی‌های بارز و مثال‌زدنی وی دانست. اجرای نمایش ابوذر به همراه دکتر علی شریعتی در حسینیه ارشاد را کاری شجاعانه و تهورآمیز می‌داند که خطر دستگیری و زندان داشت که با آنکه صغیری این مسئله را می‌دانست در آن شرکت کرد. «وی در آن دوران جریان‌ساز بود و باید قدر وی را دانست. پرداختن به سنت‌ها در تئاتر یکی دیگر از نوآوری‌های صغیری بود.»

پرویز پورحسینی سپس با نقد دیدگاه کسانی که بی‌توجه به سنت‌ها فکر می کنند مدرن شدن یعنی رفتن به سمت چیزهای غریب است، خاطره ای از نمایش مشترکی که در آلمان، داستان رستم و سهراب از شاهنامه را اجرا کرده بودند اشاره نمود: «زمانی که بیتی از شاهنامه را با اشک می‌خواندم به وضوح دیده می‌شد که بازیگران آلمانی نیز بغض می‌کردند. این همه نشان از قدرت سنت و فرهنگ دارد که به‌راحتی بر دل‌ها می‌نشیند و تاثیرگذاری شگرفی دارد.»

در پایان هدایایی به رسم یادبود به استاد ایرج صغیری، پرویز پورحسینی و گروه هنری ایلیا اهدا گردید.

منبع:گناوه آنلاین

شب دریاقلی

عباس معتمد

دریاقلی سورانی اوراقچی میانسالی است که در ذوالفقاری آبادان کنار بهمنشیر بی تفاوت به جنگ و آنچه پیرامون شهرش میگذرد به زندگی خود مشغول است. تا اینکه شبی پاییزی در سال ۵۹ ناگهان متوجه می شود که عراقی ها قصد عبور از بهمنشیر را دارند. او که می داند که گذشتن آنها از بهمنشیر برابر خواهد بود با محاصره کامل آبادان و تصرف کامل سواحل ایرانی اروند کنار و در نهایت سقوط خوزستان، با دوچرخه اش به سمت مقر نیروهای مدافع شهر - که ۹ کیلومتر با آنجا فاصله دارد - رکاب می زند اما در بین راه دوچرخه پنچر می شود و با دویدن خود را به مقر می رساند و شهر را از خطر سقوط حتمی نجات می دهد. دریاقلی که به در این میان به شدت زخمی شده برای درمان به تهران انتقال داده می شود اما مدتی بعد به شهادت می رسد و غریبانه در بهشت زهرا به خاک سپرده می شود.

اولین بار با نام دریاقلی را در کتاب "آتشی در مسیر زندگی" که حاصل گفتگوی سید قاسم یا حسینی با زنده یاد استاد منوچهر آتشی است آشنا شدم. اما به طور کامل داستانش را متوجه نشدم. تا اینکه که در " داستانهای شهر جنگی" حبیب احمدزاده همه ماجرا را خواندم. دیشب هم فرصت پیدا کردم و فیلم "شب واقعه" را که روایت حماسه ی دریاقلی است را در سینما دیدم.

خود را در جایگاهی نمی بینم که بخواهم در باب فنی و سینمایی فیلم اظهار نظر کنم. اما نمی توانم از کنار فیلم نامه ی استوار و خوب همایون شهنواز که خاطره ی "دلیران تنگستان" او همیشه در ذهنم باقیست به همراه بازی بسیار خوب حمید فرخ نژاد به آسانی بگذرم. به گمانم هیچ کسی در حال حاضر نمی توانست به خوبی فرخ نژاد از پس این نقش برآید.

گذشته از این از ویژگی های بارز فیلم که خیلی برایم جذاب بود دید انسانی آن بود که بیش از همه درباره ی قهرمان داستان نمود پیدا می کرد. او - یعنی دریا قلی - مردی است که زندگی عادی خود را می کند، کاری به کار جنگ ندارد و حتی کشته شدن همشهریانش هم چندان تاثیری در وی ندارد، اگر عصبی شود فحش می دهد، لاف هم می زند. گاهی اوقات دروغ میگوید ، بسیاری از قید و بندها راهم رعایت نمی کند و... اما! سر بزنگاه شرافت و مردانگی خود را فراموش نمی کند و دفاع از خاک وطن را بر خود واجب می داند، حتی به قیمت جان!



همچنین دغدغه ای که او برای حفظ جان "بچه های مردم"دارد بسیار زیباست. از دید دریاقلی قرار نیست تا به آسانی به آنها شربت شهادت داده شود و راه بهشت پیش گیرند. در همین ارتباط صحنه ی گفتگوی او با فرزندش - در نخلستان و پس از زخمی شدنش - به نظر من یکی از بدیعترین لحضات فیلم است. جاییکه پس از آنکه ترس را در چهره ی کوهیار - پسرش - می بیند به او می گوید دهنش بوی شیر می دهد و الان وقت جنگیدن او نیست.

به عقیده ی من - تماشگر ایرانی- " شب واقعه" زبان خوبی را برای روایت انتخاب کرده است. زبانی که کمتر بوی شعارزدگی و ناپختگی می دهد و تا حد بسیار قابل قبولی در روایت باور پذیر ماجرا موفق عمل کرده است. فرهنگ پایداری و مقاومت ما و به ویژه سینمای دفاع مقدس کم تر به چنین زبان ها و نگاه هایی میدان داده است.

ثبت اولین کتاب بین المللی دانشگاه خلیج فارس بوشهر توسط دکتر رضا آذین



"مطالعه ی شبیه سازی ذخیره سازی زیرزمینی گاز simulation study of underground gas)" storage) عنوان کتابی است که به عنوان اولین کتاب بین المللی نوشته شده توسط اساتید داشگاه خلیج فارس به ثبت رسیده است. نویسندگان کتاب، دکتر رضا آذین، عضو هیئت علمی مهندسی شیمی دانشگاه خلیج فارس، و مهندس رضا ملکوتی دانشجوی دکتری مهندسی نفت دانشگاه هریوت- وات انگلستان می باشند.

موضوع اصلی کتاب، بررسی امکان ذخیره سازی زیرزمینی گاز (UGS) و ذخیره سازی گاز ترش در یک مخزن گازی تخلیه شده ترک دار است. در این کتاب شبیه سازی ترکیبی برای ساخت مدل یک مخزن دینامیکی و توسعه ی فاز، تطبیق تاریخچه (History Matching) مخزن و طراحی چرخه ی "تزریق/برداشت"(I/W)، به کار گرفته شده است. همچنین، نویسنده‌گان یک رویه ی سیستماتیک برای الگوی بهینه ی مخزن (تعداد چاه، مکان، عمودی یا افقی بودن) ارائه کرده‌اند.

ذخیره سازی زیرزمینی گاز (UGS) عبارت از ذخیره سازی مقادیر زیادی از گاز طبیعی در یک مخزن زیر زمینی از طریق چاههای افقی یا عمودی برای تامین تقاضای گاز طبیعی شهری، بازرگانی و مناطق صنعتی می باشد. پروژه های ذخیره ی گاز زیر زمینی در حال تبدیل به یکی از حیاتی ترین بخش زنجیره ی گازی کشور ها می شود و روشی موثر برای رفع مشکلات فعلی تقاضا به شمار می رود. اهداف اصلی این کتاب، تحقیق در رابطه با امکان اجرای پروژه UGS، امکان ذخیره ی زیرزمینی گاز ترش و ارزیابی ذخیره ی گاز در یک مخزن گاز ترک خورده ی خالی می باشد.

شاید افتخار آمیزتر از ثبت بین المللی این کتاب، ذکر عبارت"Persian Gulf" در معرفی دکتر آذین به عنوان استاد دانشگاه خلیج فارس باشد که بار دیگر عبارت "خلیج همیشه فارس" را به جهانیان یادآور می شود.

کسب این افتخار بزرگ را به دکتر رضا آذین، گروه مهندسی شیمی و تمامی دانشجویان دانشگاه خلیج فارس بوشهر تبریک می گوییم.

انتقاد فرهنگیان دیر از لغو بیمه طلایی فرزندان

جمعی از بازنشستگان فرهنگی شهرستان دیر درنشستی درآموزش وپرورش این شهرستان ازلغو بیمه طلایی خود و فرزندانشان گلایه کردند و خواستاربرقرار مجدد بیمه طلایی خود شدند.

یکی از بازنشستگان آموزش وپرورش دیر گفت: اگرچه مدت زمان بیمه طلایی سال گذشته سه ماه و بسیاراندک بود اما برقرای این نوع بیمه درشرایط بازنشستگی لازم ومناسب



است.

علی عبدی افزود: بازنشستگان آموزش و پرورش مانند دیگرفرهنگیان هستند و نباید بین آنان فرقی گذاشته شود در صورتی که این قشربه بیمه طلایی بیشتر از سایرین نیاز دارند.

یکی دیگراز بازنشستگان آموزش وپرورش دیرگفت: باوجود ماه ها دوندگی بازنشستگان فرهنگی و پرکردن فرم های مختلف بالاخره برای مدت سه ماه بیمه طلایی آنان برقرارشد اما درسال جاری به دلایل نامعلومی یک ماه است که این بیمه برای بازنشستگان فرهنگی لغو شده است.

عباس بحرانی افزود: قرارداد بیمه طلایی بازنشستگان فرهنگی دردی ماه سال ۹۰ بسته شده و کارت ها را در اوایل اسفند تحویل بازنشستگان دادند و هزینه بیمه نیز در این مدت از حساب آنان کسر شد درحالی که عده زیادی از بازنشستگان نیز نتوانستند بدرستی از این بیمه طلایی استفاده کنند وکارت های آنان دست نخورده باقی مانده است.

یکی دیگراز بازنشستگان فرهنگی دیر گفت: ما نسبت به عملکرد آموزش وپرورش در قطع بیمه طلایی بازنشستگان گلایه واعتراض داریم واز وزیر آموزش و پرورش می خواهیم که بزودی وبدون دوندگی بازنشستگان، این بیمه را برای ما برقرارکند. کرم ابراهیمی اضافه کرد: یکی دیگراز مشکلاتی که بازنشستگان فرهنگی دارند وبرای آنان بسیارمهم است عدم به کارگیری فرزندان آنان در ادارات آموزش وپرورش است. وی ادامه داد: اکنون خیلی از فرزندان بازنشستگان فرهنگی در حالی که تحصیلات عالی دارند، بیکارهستند واین معضل بردوش بازنشستگان فشار مالی وروحی آورده است.

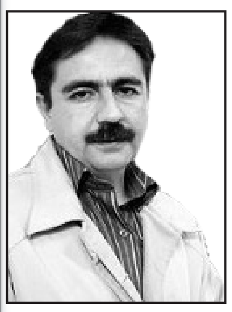
رییس آموزش وپرورش دیرگفت: به کارگیری فرزندان بازنشستگان درآموزش وپرورش از خواسته های بازنشستگان است که تاکنون درمراحل استانی وکشوری مطرح شده اما به دلایلی عملی نشده است. یونس باربرز درمورد لغو بیمه طلایی بازنشستگان نیزگفت: دستوری ابلاغ شده است که درموردبیمه طلایی بازنشستگان کاری صورت نگیرد اما اکنون بازنشستگان به این اقدام مهم عالی وزارت درزمینه راه اندازی بیمه طلایی فرهنگیان بشدت نیازدارند که امیدوارم همانند گذشته برقرارشود.

شهرستان دیر۹۰۰ پرسنل اداری وآموزشی دارد که ۱۰۲ نفرآن ها بازنشسته هستند./منبع:ایرنا

دکتر عباس عاشوری نژاد :

پیشگیری از جرم مستلزم پیشگیری از وقوع شرایط جرم زاست

گفتگو : محمد صادق زیارتی زاده - نرگس مرزوقیان



-چه تعریفی از انسان و جامعه می توان ارائه نمود؟

-انسان موجودی بسیار بزرگ و بسیار کوچک است که در محیطی خود ساخته به نام جامعه زندگی می‌کند شناخت خویش و جهان و نسبت میان خویش و جهان نیز مهمترین وظیفه اوست و انسان در واقع دشواری وظیفه است.

-معاونت اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم دادگستری برای اولین بار دست به چنین اقدامی زده و فراخوانی تحت عنوان انسان و جامعه را منتشر کرده ، فکر می کنید آیا می تواند در این راه موفق باشد؟

-اقدام معاونت اجتماعی دادگستری، اقدامی بسیار به جا و شایسته است و در واقع این رویکرد اصولی‌ترین ، منطقی‌ترین و زیربنایی‌ترین راه پیشگیری از جرم است.

-شما به عنوان یک پژوهشگر چه پیشنهادی می توانید برای پیشگیری و یا عدم وقوع جرم در جامعه داشته باشید ؟

-پیشگیری از جرم مستلزم پیشگیری از وقوع شرایط جرم‌زاست. جرم عمدتاً زاده بی‌سامانی در ساختارهای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و ایدئولوژیک جامعه است بعضی اگر این ساختارها مطابق فلسفه وجودی خود، اداره شوند. امکان وقوع جرم به طور قابل توجهی کاهش می‌یابد.

-ایجاد زمینه فعالیت های فرهنگی و هنری یکی از اهداف این جشنواره است چگونه می توان در ایجاد این فضاها کمک کرد ؟

-فرهنگ و هنر هنرجویان، با ضمیر ناخودآگاه و روح جامعه سروکار دارد و روح جامعه تعیین‌کننده شکل رفتار جمعی است بنابراین فرهنگ و هنر می‌تواند از طریق هدایت روح جامعه به هدایت رفتارهای جمعی بپردازد بنابراین هرچقدر که زمینه برای فعالیت‌های فرهنگی و هنری بیشتر باشد به سلامت جامعه کمک بیشتری شده است.

-به نظر شما معاونت اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم دادگستری تا چه حد می تواند در به سرانجام رساندن این حرکت بزرگ موفق باشد ؟

-نقش اصلی در موفقیت یا عدم موفقیت این جشنواره را معاونت اجتماعی ایفا می‌کند بعضی در مرحله اول حمایت‌های مادی و معنوی این معاونت از جشنواره و سپس میزان ادراک ارزش و اهمیت جشنواره از سوی اهل فرهنگ و هنر تعیین‌کننده میزان موفقیت جشنواره خواهد بود.

-شما به عنوان یک پژوهشگر چه پیشنهادی برای هر چه بهتر و با کیفیت تر برگزار شدن این جشنواره در سال های آتی دارید؟

-ایجاد دبیرخانه دائمی همایش، اشخاص دانشمند در این دبیرخانه ، ارتقای همایش استانی به حداقل ملی و حمایت پیوسته معاونت اجتماعی از دبیرخانه، مشارکت مستمر اهل فرهنگی راههای بهتر برگزار شدن جشنواره در سال های آینده است.

-اگر صحبت خاصی در مورد جشنواره انسان و جامعه دارید بیان فرمائید؟

-شأن و جایگاه انسان از سوی انسان را تاثیرگذارترین راه برای جلوگیری از وقوع جرم می دانم بعضی اگر انسان متوجه جایگاه خویش به عنوان ارشد مخلوقات (خلیفه ا....) گردید بنابراین نه تنها میل حرکت به سوی جرم در او به شدت کاهش می یابد بلکه اساساً بسیاری از کارهایی که جرم هم محسوب نمی شود و در شأن جایگاه والای او نیست انجام نمی دهد. به عبارت ساده تر چون انسان دریافت که بزرگ است در می یابد که حق ندارد کوچک اندیشه کند، کوچک سخن بگوید و کوچک رفتار کند.

منبع : سایت نیمدری

نسیم جنوب
ادب و هنر
شماره ۶۶۲ - یک شنبه۲۴ اردیبهشت ۱۳۹۱
NASIM JANOUB

برنامه هفت بگیر که رفت

دکتر محمد جعفرایزدپناه



فریدون جیرانی در آخرین اجرای برنامه هفت در گفتگوی چالشی با جهانگیر الماسی که این روزها در کسوت اصولگرای اهل ممیزی درآمده در تعریف آزادی می گوید: «آزادی یعنی این که اقلیت یک جامعه حتی اگر ۲ درصد هم باشند بتوانند حرفشان را بدون نگرانی بزنند.» آن ۲ درصد پیشکش، فعلا کارگردان ارزشی مثل سعید سهیلی هم نمی تواند حرفش را بزند و فیلم گشت ارشادش را در سینمای بوشهر نیز نتوانستند تحمل کنند.

از زمان آغاز به کار برنامه سینمایی هفت، انتقادات زیادی به این برنامه وارد بود. از آن جایی که عادل فردوسی پور با نودهای دوشنبه شب هایش شکل استاندارد و جدیدی از نقادی بدون تعارف راه به راه انداخته بود. همه از هفت انتظار داشتند فریدون جیرانی همان کاری را در سینمای ایران انجام دهد که عادل با نود در فوتبال انجام می دهد و با پرداختن به حاشیه های جذاب سینمای ایران و جهان – نقد صریح سیاست های غلط فرهنگی مسئولین سینمایی کشور- یاد کردن از نسل گذشته سینماگران – تجلیل از موفقیت های جهانی فیلمسازان – دعوت از منتقدان برجسته دوباره مردم را با سینما آشتی دهد و حرف دل مردم باشد که نشد. جیرانی با وجود داشتن سلیقه ای نزدیک به قشر خاص سینمارو، به شدت محافظه کار بود . زمانی که اصغر فرهادی اسکاری ارزشمند را برای سینمای ایران به دست آورد یا زمانی که خانه سینما قربانی درگیری های سیاسی شد، یا زمانی که فیلم های گشت ارشاد و زندگی خصوصی توسط گروه های خود سر پایین کشیده شد، بدون توجه به این مسایل مهم، برنامه هفت به مسایل دیگر می پرداخت.

فریدون جیرانی با وجود دانش و اطلاعات بالای سینمایی برای تعطیل نشدن برنامه اش، همه رقم در مقابل جریان های مخالفش کوتاه آمد. اکثر مهمانان برنامه اش، سینماگران متعلق به جریان اصولگرا بودند، منتقد برنامه اش فیلم های دولتی و تبلیغاتی را تعریف و تمجید می کرد، وقتی هم که سینماگر مستقلی را دعوت می کرد زمانی که می خواست حرف دلش را بزند، جیرانی وسط صحبتش می پرید و بحث را عوض می کرد. در جریان مناظره ها و گفتگوهای چالشی؛ مهمانانش از جریان دولتی بودند و خبری از طرف دیگر دعوا نبود. این شد که نود صدا و سیمای ما منحصر به همان نود عادل شد. همان طور که نتوانستیم نود سیاسی درست کنیم. سرنوشت نود سینمایی هم به سرنوشت نود سیاسی دچار شد و همین تریبون که فضای اندکی برای منتقدان باز کرده بود را از دست داد.

قرار است در برنامه های آتی به جای جیرانی، محمود گبرلو مجریگری برنامه را به عهده بگیرد و محمد خزایی تهیه کنندگی برنامه را به عهده بگیرد. هر دو نفر وابسته به طیف ارزشی هستند و به نظر می رسد در آینده هفت بیش از پیش محافظه کار تر شود و این مسئله باعث ریزش مخاطبان سینما دوست گردد. چنان چه عوامل جدید بخواهند مخاطبان خود را راضی نگه دارند تجربه نشان داده که حتی تغییر عوامل هم نمی تواند مانع از بسته شدن برنامه هفت گردد. تا زمانی که مدیران ارشد صدا و سیما احترام به مخاطب را فدای سلایق جریان خاصی نکنند.

تولید فیلم سه بعدی در بوشهر

فیلم سه بعدی (۳D) 'مرثیه ای برای طاق ' برای اولین بار در واحد فیلم حوزه هنری بوشهر تولید شد.

روابط عمومی حوزه هنری بوشهراعلام کرد: کارگردان این فیلم مهدی تنگستانی و تهیه کننده آن حوزه هنری استان بوشهر است.

براساس این گزارش، گروه سازنده این فیلم پس از تولید آن در زمستان سال ۹۰، با توجه به فناوری های جدید سینمای سه بعدی و لزوم هم گام بودن سینمای ایران با دنیا، بعد از تلاش های طاقت فرسا و آزمایشات تصویری، موفق به تولید نسخه سه بعدی فیلم 'مرثیه ای برای طاق' شدند.

این گزارش حاکی است: نسخه سه بعدی این فیلم به صورت Anaglif و به منظور پخش روی پرده سینما تولید شده است.

تحقیق و پژوهش این فیلم مستند که به مراسم های عاشورا در بندر ریگ می پردازد، توسط شهین دهقانی صورت گرفته است.

غربت محسن شریفیان و گروه موسیقی لیان در بوشهر

ممانعت از برگزاری موسیقی محسن شریفیان و گروه مروارید لیان در جشن خیریه

برگزاری جشن ها و همایش های خیریه از محدود اموری است که همکاری مردم و مسئولین در سطح بسیار بالایی در آن دیده می شود و کم ترین درگیری اداری را داراست. هر کس در هر پست و سمت، سعی در هموار کردن راه اجرای این گونه مراسمات را دارد. اما گاهی بروز حوادثی عجیب انسان را به این فکر می اندازد که چرا گروهی مورد غضب قرار گرفته و به بهانه هایی غیرمنطقی از انجام امور خیر منع می شوند؟ گروهی مانند گروه موسیقی لیان به سرپرستی محسن شریفیان، گروهی که در معرفی موسیقی و فرهنگ بوشهر اقدامات منحصر به فردی انجام داده و در عرصه ملی و بین المللی محبوب و مشهور است.

گروهی که نه تنها در شهر خود اجرای کنسرت و حتی تمرین را آرزو دارد، بلکه حق انجام امور خیریه را ندارد. ممانعت از انجام امور خیریه در کدام دین و آیین است؟ چرا وقتی گروهی با این شهرت قصد برگزاری و شرکت در امور خیریه را دارد با مخالفت مسئولین مواجه می شود؟

جمعی از خیرین بوشهری در تاریخ ۱۱ اسفند سال گذشته، پس از حادثه دلخراش آتش سوزی در مرکز آل یاسین، قصد برگزاری جشن خیریه در آن مرکز را داشتند اما در کمال ناباوری با مخالفت سازمان بهزیستی استان مواجه شدند. جشنی که قرار بود با همکاری و کمک گروه موسیقی لیان و با حمایت شخص محسن شریفیان انجام شود. مخالفت مدیر کل وقت سازمان بهزیستی استان خیرین را بر آن داشت تا به کمک دفتر امام جمعه، نیت خیر خود را علمی سازند.



همکاری دفتر امام جمعه موجب دلگرمی خیرین و راسخ تر شدن عزم آنان گردید اما باز هم مشکل همیشگی عدم موافقت با اجرای گروه محسن شریفیان حتی برای امور خیریه و کمک به نیازمندان! روبرو شدند. عجیب است که این ممانعت از طرف کسانی که خود متولی اشاعه فرهنگ کمک به نیازمندان است، صورت گرفته است.

چندی بعد و در تاریخ ۵ اردیبهشت سالجاری، جمعی دیگر از خیرین برای برگزاری جشنی خیریه در حمایت از کودکان معلول و بی سرپرست، قصد استفاده از تمام ظرفیت ها موسیقیایی موجود و همکاری با گروه هایی چون لیان، هیرون، عشاق و مهرآهنگ را داشته و درخواست خود را تسلیم اداره ارشاد نمودند. بار دیگر و با وجود ابراز حمایت تلویحی مسئول بخش هنری ارشاد از گروه لیان، مجوز اجرای تمام گروه ها به جز گروه لیان صادر شده و در پاسخ، دلیل ممانعت از اجرای این گروه در جشن خیریه، گفته می شود که دستور از فرمانداری بوشهر بوده و مخالفت با آقای شریفیان به حدی است که حق اجرای بداهه ای کوتاه را هم ندارند.

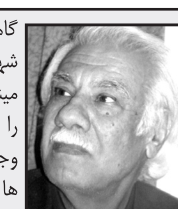
بحث عدم استقلال در تصمیم گیری ارشاد از طرفی و نبود توجیهی منطقی برای جلوگیری از انجام امور خیر، مباحثی است که نیازمند پاسخگویی مسئولین می باشد.



سوالاتی از قبیل این که گروه لیان با کسب چندین مقام برتر از جشنواره فجر و اجرا در اکثر شهرهای ایران و مراکز مهم فرهنگی جهان، مشهورترین گروه موسیقی بومی است چرا نباید در شهر خود و برای همشهریان خود به اجرای موسیقی بپردازد؟ چرا نباید از تمام امکانات برای برگزاری جشن های خیریه استفاده شود؟ چرا باید موسیقی بومی به قدری مظلوم واقع شود که حتی مسئول سینمای شهید آوینی هم برای ورود اعضای گروه های موسیقی تعیین تکلیف کند؟ عدم پاسخگویی به این سوالات شائبه ای دشمنی با فرهنگ بومی را تقویت کرده و این زمزمه را بر لب های دوستداران موسیقی بوشهر جاری می سازد که آیا قصد دشمنی با موسیقی بومی بوشهر وجود دارد؟ که پسروی فعالین موسیقی را به دنبال داشته است. واقعا که محسن شریفیان و گروه موسیقی لیان در شهر خود غریبند؟؟ (یکی از برگزار کنندگان جشن خیریه).

به یاد تنها یادگار فایز

عبدالمجید زنگویی



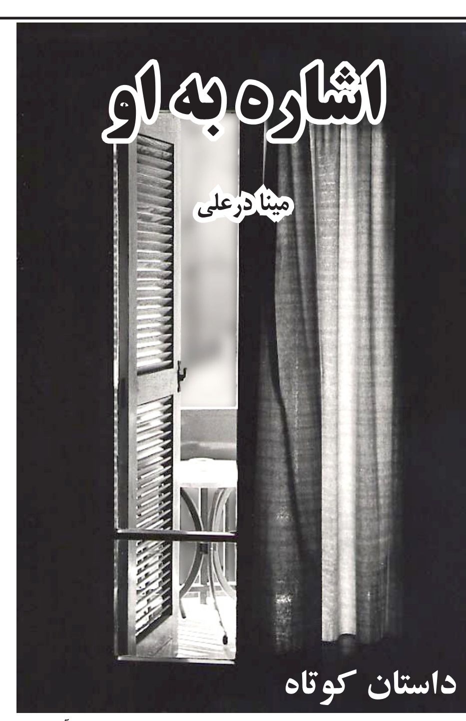
گاهی که از زادگاه و شهر و دیار خود دور میشوی و مهاجرت را بر می گزینی با وجود همه ی رسانه ها و با آنکه جهان به دهکده ای کوچک می ماند، باز هم در جریان همه اخبار و رویدادهای شهر و استان خود موقع قرار نمی گیری و یا پس از گذشت زمانی چند و آن گاه با خبری میشوی که دیر شده و تو نمی توانی در انجام کار یا مراسمی شرکت داشته باشی. نمونه هایش را کم و بیش میتوان یافت. چندی پیش برای انجام کاری به کتابخانه مجلس شورای اسلامی رفته بودنم که مرا با آقای سید محمد فاطمی نژاد که از کارکنان آن کتابخانه است دیداری دست داد. در فرصتی اندک، نشستیم و گفتیم، از کتاب و کتابخانه و شهر و دیار و شعر و شاعران محل. در پایان به من گفت که با خبر شده ای که عباس فایزی درگذشته؟ ضمن تأسف اظهار بی اطلاعی کردم. هنوز خبر مرگ روانشاد حاج علی مرادی داغ بود که خبر درگذشت عباس فایزی را هم شنیدم.

نوروز ۱۳۵۲ بود که در کردوان با عباس فایزی آشنا شدم. به منطقه دشتی برای پژوهش پیرامون ترانه های فایز رفته بودم. روستا به روستا با کمک راهنمایان و راه بلدها رفتم تا به کردوان رسیدم. آقایان تفضلی داماد مرحوم حسین نامجو که رئیس بلوک درازی و آقای زارعی فرزند کدخدای شیخیان مرا همراهی میکردند و برادرم عبدالحسین هم کار رانندگی را به عهده داشت. غروبگاه بود که به دروازه ی کردوان رسیدیم، از چند نفر که در آن جا بودند سراغ عباس فایزی را گرفتم. نخست با تعجب و تردید با ما برخورد کردند هنگامی که گفتم از آبادان آمده ام تا دوبیتی های فایز را از نوه اش بگیرم آنها گفتند مگر میشود که کسی از آبادان تا این جا بیاید برای گرفتن شعر فایز؟ ولی به زودی گفته ی مرا باور کردند. نشانی خانه ی او را به ما دادند و گفتند که عباس فایزی در مزرعه است و تا نیم ساعت دیگر برمی گردد.

زیاد منتظر نماندیم تا او آمد. سلام و علیک گرمی صورت گرفت. خود را به او معرفی کردم و یک جلد ترانه های فایز چاپ اول را به او تقدیم کردم. مارا به گرمی پذیرفت و به منزلش برد. بیش از حد توان یک روستایی ساده زیست و صمیمانه از ما پذیرایی کرد. برایمان شروه خواند و داستانها گفت. دست نوشته های فایز را که گرد و خاک و گذشت روزگار سخت رنگ و روباخته شان کرده بود به من داد .

بعد از آن چند بار او را در بوشهر ملاقات کردم و دو سال پیش هم بوسیله ی یکی از دوستان شاعر، دفتر شعر عاشقانه ها در رموز را که ترانه های عمو فایز را در بردارد برایش فرستادم. رحمت بر او باد، انسان صادق، صمیمی و با صفایی بود وی چند دهه ی آخر زندگی خود را در کاکی گذراند و یکی دو بار هم از این بنده دعوت به عمل آورد که موفق به دیدارش در کاکی نشدم.





به شکل اشاره به دور که می شوم ، "او" شکل می گیرد و از دست مادرم می افتد به آینه ای که دارد با هف هف هایش رطوبت می گیرد تا بعد با دستمالی نیمه مرطوب پاک شود .

مادر آن روز خوشحال بوده . زیر لب همه اش وزغ را تکرار می کرده و او مبهوت در آینه دهان مادر را می دیده که گاه به آرامی می خندیده و گاه بلند بلند به قهقهه شبیه می شده !

مادر رنگی تر از وزغ های از دهان پریده اش نبود. همیشه یک رنگ و یک شکل . موها بافته به سمت پشت و لباس هایی به رنگ تیره ، با شباهتی به سیاهی ذغال های اغلب توی دستش که برای دود کردن اسپند گاه و بی گاه از آشپز خانه به حیاط خلوت پشت برده می شده !

داستان " او" ، "مادر" و "وزغ ها" از زمانی جان گرفت که عمه خانم با گلوی باد کرده اش در بی حواسی مطلق مادر وارد خانه شد .

در خانه را "او" باز کرده بود .

مادر در حال بردن لباس های چرک به حمام بود . عمه خانم با گلوی باد کرده و پوستی که از فرط خشکی و سبزه گونی اش به سیاه رنگی می زد وارد شد و مادر را غافلگیر کرد .

مادر از فرط تعجب جیغ نکشید اما ریز ریز خندید و صورتش را میان چروکی لباس ها گم کرد .

از همان جا اوج داستان وزغ باران های مادر شروع شد .

"او" می دانست که مادر و عمه خانم با یکدیگر میانه ی خوبی ندارند . اما نمی دانست رابطه ی گلوی باد کرده ی عمه خانم ، وزغ ، خنده های ریز و هف هف مانده ی مادر بر آینه چه می توانست باشد .

"او" تنها فرزند بازمانده ی نسل خانواده ی عمه خانم بود .

عمه خانم معمولا میهمان او و مادرش می شد و به گفته ی خود عمه خانم آنجاخانه ی خودش می باشد و بوی خانواده اش را می دهد .

مادر حالا به گردگیری خانه رسیده بود و عمه خانم "او" را روی پای خود نشانده بود و دست های استخوانی اش را به روی گلوی باد کرده اش می کشاند .

هوای اتاق از دود اسپند های در حال جلز و ولزِ میان زغال ها سنگین شده . نگاه او به آینه است و بخار مرطوبی که از دهان مادر بیرون می آید . عمه خانم سرفه ای می کند و ناگهان مایع لزج سبز رنگی از ته گلویش روی زمین می پرد .

او از جا کنده می شود و می بیند وزغی روی زمین در حال جست و خیز است. وزغ ها زیادتر می شوند و با هر بار هف هف های مادر روی آینه ، با چشم های بیرون زده می لغزند و روی طاقچه ی پوشیده شده از ترمه ی سیاه و سرخ جست و خیز می کنند .

عمه خانم بلند شده و از در بیرون رفته اما چشم های مادر هنوز هم پشت سر عمه خانم ریز ریز می خندد و لبهایش به آرامی وزغ را تکرار می کند!

او روی طاقچه رو بروی آینه نشسته است. کوچک تر از آن است که به رابطه ی وزغ ، عمه خانم و مادر پی ببرد و به اینکه چرا این همه وزغ دارند ازدر و دیوار اتاق بالا می روند.

مادردستی به شکم بر آمده اش می کشد . ترمه ی افتاده بر طاقچه را جابجا می کند . آینه کمی می لغزد. سونوگرافی های افتاده از دست عمه خانم را دوباره به آینه تکیه می دهد. خم می شود و با نگاهی تلخ لزجی های راه افتاده بر کف اتاق را نگاه می کند.

در روایت های زبان به زبان همسایه ها همیشه می آمد و همیشه هم "او" می شنید که : بچه های نسل به نسل این خونواده سر زا می میرن و برا همینه که همه شون غمباد می گیرن !

تاتر در منطقه عسلویه

علی هلالی

نزد ملل قدیم ، چه آنان که زندگی پادشاهی داشتند وچه آنهای که در حال عادی بودند ؛ نمایش وجود داشته است ، افراد بشر سعی داشته اند برای خود سرگرمی وتفریحی ترتیب دهند وبا این تفریح وسرگرمی عواطف بشری را به هم بپیوندند ودر قالب این تفریحات ، عواطف واحساسات خود را بیان کنند. یونانیان وروميان قدیم، شکوه وجلال خاصی به این ذوق نمایشی خود می دادند ، تمام مردم روم وآتن برای تماشا به تاترمی رفتند.

ابزار تاترنمایش است ، می توان بدون عناصر فنی ، بدون یک ساختمان تاتر ، حتی بدون یک متن ونوشته شده تاتر داشت. ولی بدون بازیگر نمی توان تاتری داشت. این نیز وجود اختلاف عمده میان تاتر زنده وفیلم است.

در این حین در اقدم زمان منطقه عسلویه از این هنر به صورت خدادادی در وجود مردمش نهفته شده است. حال که بنا به موقعیت زمانی زندگی خود این هنر را چطور اجرا می کردند بحث مفصلی وشاملی دارد که فقط به چند توضیح زیر درباره آن اکتفا می کنیم. در منطقه عسلویه از گذشته دور برای باشگوه شدن تفریحات ومراسم شادی خود جمعی از جوانان ماهر دور هم جمع شده وگروهی از بازیگران را تشکیل داده وبرای مردم تاتر بازی می کردند. معمولا متن تاتر خود از ماجراهای زندگی روزمره خود انتخاب نموده ویکی بعنوان سرپرست مسئولیت نظم و چطور ادا کردن بازی را براعهده گرفته ودیگران با پوشیدن لباس محلی درکوچه وخیابان ویا درمحوطه باز یا در حیاط خانه بیشتر در ایام عروسی واعیاد به صورت تاتر برای مردم بازی می کردند.گنجایش تاتر عسلویه از دیگر تاترها شاید بیشتر است وآن هم به علت استفاده کردن الات وابزار زندگی در تاتر به ویژه با استفاده از حیوانات اهلی از قبیل اسب ، شتر وقاتر بوده است. بیشتر تاتر عسلویه تاتری شاد وجذابیت شادی را به خود اختصاص دارد استفاده از آهنگ وسازهای محلی همانند :نی و نی انبان یکی از جذابیت



/http://boghz-e-folout.blogfa.com

های ویژه تاتر در منطقه است. ومفاهیم همچون صبر ، تلاش و ایمان وبرادری درادای تاتر بخوبی احساس می شود. امروزه هم جوانان منطقه عسلویه این هنر جالب وزیبا از اجداد خود به هم از نسلی به نسل دیگر منتقل داده شده واین هنر را می توان در جریان زندگی مردم به خوبی دیده شود . حال که موقعیت زمانی فعلی موجب به ایجاد افکار ومفاهیم جدیدی در تاتر را زنده نموده است دقت جوانان منطقه را بیشتر در این هنر بکار برده شده است وامروزه به صورت زیبا ودر مکان های متفاوت اعم از مدارس نقش بازی می شود. زنده کردن این هنر زیبا هیچ ابزار خاصی وجود ندارد وهمیشه در وجود مردم وجوانان عسلویه وجود دارد.

مردم عسلویه به این چنین نمایش به لفظ محلی ((شوِبه)) یا((فرسّه)) میگویند. ترقی افکار وهنر در وجود مردم منطقه باعث شده است برای حفظ فرهنگ منطقه خود بیشتراز گذشته منطقه خویش را به صورت تاتر ، نمایش، نمایشنامه، عروسک گردانی ، فیلم کوتاه، فیلم نامه ومیکس های جالبی درآورده شود.

/http://boghz-e-folout.blogfa.com

جلوگیری از رونمایی آلبوم "نواهای دریانوردی" محسن شریفیان در بوشهر

جلوگیری از رونمایی آلبوم نواهای دریانوردان خلیج فارس که توسط گروه موسیقی لیان انجام شده بود، بخش دیگری از پروژه بی اعتنایی به بوشهری ها در همایش روز ملی خلیج فارس بود که از چشم رسانه ها دور ماند.

خبر می رسد در شرایطی که هماهنگی های لازم از سوی حوزه هنری برای رونمایی از این اثر در همایش ملی خلیج فارس در بوشهر انجام شده بود، اما گفته می شود مدیرکل میراث فرهنگی استان به دلیل آنچه "بسته شدن برنامه همایش از سوی تهران" عنوان کرده، این رونمایی را از برنامه های همایش خارج کرد.

آلبوم کارآواهای دریانوردان و لنج سازان بوشهری اثری از سوی گروه موسیقی لیان به بهانه ۱۰ اردیبهشت ماه روز ملی خلیج فارس بود که اگر در نخستین سال برگزاری همایش روز خلیج فارس در بوشهر رونمایی می شد، می توانست انتقادات درباره بی توجهی به بوشهری ها در این همایش را بکاهد.

این آلبوم با بهره گیری از نی مه های دریانوردان- که نقش مهمی در تهییج روحیه کارکنان کشتی (جاشوها) دارد- شکل گرفته و تلاش داشت تا از نشستن گرد فراموشی بر این میراث معنوی جلوگیری شود.

آلبوم "آواز دریانوردان خلیج فارس" کار پژوهشی از محسن شریفیان بود که با همکاری حوزه هنری بوشهر منتشر شد، اما با وجود هماهنگی های صورت گرفته، دکتر دشتی مدیرکل میراث فرهنگی استان با این استدلال که برنامه های همایش روز خلیج فارس با تهران هماهنگ و بسته شده، آن را از برنامه همایش روز ملی خلیج فارس خارج کرده است.

همایش روز ملی خلیج فارس که برای نخستین سال در بوشهر برگزار شد، در کنار لغو سفر رییس جمهور و تاخیر ۱۰۰ دقیقه ای معاون اول وی برای حضور در همایش، به دلیل ناهماهنگی های رخ داده در تجلیل از خانواده شهدای خلیج فارس و بی اعتنایی به پژوهشگران بوشهری فعال در حوزه خلیج فارس نظیر دکتر مشایخی، نبی پور و حسن زنگنه کارنامه ضعیفی را از برگزارکنندگانش ثبت کرد./ خلیج فارس

بی حرمتی به گروه فرهنگی فردوس در عسلویه

اندیشه ورزان برنا: گروه فرهنگی الفردوس یکی از ستاره های آسمان پرستاره برای اجرای برنامه ها که به نطق وزیبایی سرودهایشان درنقاط مختلف استان برای اجرای برنامه ها دعوت می شوند و توسط مسئولین کثیری همچون دفاتر امام جمعه ها ، بخشداری وشهرداری وسایر ادارات و مجموعه دیگر تکریم شده اند ، نمونه بارز اجرای آنها در مرکز استان بوشهر ، جزیره شیف ، بندر ریگ ، شهرستان میناب و بندر عباس بوده است.

از این گروه برای اجرای برنامه ۲۰ اردیبهشت در سالن سازمان منطقه ویژه با تدارکات اداره آموزش وپرورش بخش عسلویه ، رسماً از طرف رئیس اداره دعوت بعمل آمد.

در این روز با حضور مسولین استانداری، بخشداری، فرمانداری شهرستان کنگان ، بخشداری عسلویه ، شورای بخش وبا حضور مدیر عامل سازمان منطقه ویژه و کادر اداره اموزش وپرورش چهارهمین جشنواره تجلیل از خیرین مدرسه ساز برگزار شد.

دوستان گروه فرهنگی الفردوس بنا به درخواست رئیس اداره، حضور سبزشان برای اجرای برنامه تواشیح که مدتی پیش آماده بودند، را در این برنامه اعلام کردند اما متاسفانه گفته می شود در برنامه به آنها بی حرمتی شده است؟!

به نقل قول یکی از دوستان حاضرین در مراسم: در لیست برنامه نشان از اسم گروه فردوس نبود وبه جای آن، اسم دیگری به نام گروه شکیبا که با اقناع گروه فردوس به این نام برنامه اجرا خواهند کرد که بعد از اجرای کلی برنامه و انتظار گروه به بهانه مسئولین برنامه (اداره آموزش و پرورش) که هیچ کس در برنامه ریزی این مراسم دخیل نیست و اطلاعی ندارد، برنامه آنها را بعد از اهداء جوایز که نشان اتمام برنامه است و بیش ترین مدعوین به خارج از سالن رفته و مسولین حاضر برای خدا حافظی ایستاده بودند، از طرف مجری برنامه نوبت اجرای گروه الفردوس شد که گروه این عمل را نشان بی حرمتی ازطرف مدیوین برنامه دانستند و باعث اعتراض شدید توسط اعضای گروه الفردوس در وسط سالن و در مقابل مسئولین شد.

زمانی که عزیزان برنامه گزار فرهنگی از گروههای دیگر خارج از منطقه دعوت می کنند و امتیازاتی همچون سفر به شهرهای زیارتی و دیگر امتیازات به آنها داده می شود، نیازی نیست که حقوق جوانان هنرمند منطقه عسلویه در چنین برنامه هایی از آنها گرفته شود، به طبع در تمامی مکان ها و برنامه ها اعتراض خود را نشان می دهند. از طرفی تمامی هنرمندان و جوانان منطقه عسلویه اعتراض خود را نسبت به این بی حرمتی به دوستان گروه الفردوس اعلام می دارند و لازم است مسئولین حاضر در این برنامه نسبت به این عمل که تضییع حقوق جوانان منطقه محروم و مظلوم هستند پیگیر شوند که دیگر حقوق هیچ جوانی در عسلویه و به خصوص گروه های فرهنگی که سابقه در خشانی در استان دارند، ضایع نشود.

نشست ادبی انجمن فردوسی در شبانکاره

به گزارش واحد آفرینش های ادبی حوزه هنری بوشهر نشست انجمن ادبیات فردوسی بخش شبانکاره، در سالن شهرداری این شهر با حضور اعضای انجمن برگزار گردید. در این نشست ، مسائل و مباحث ادبی در حوزه ی شعر و ادبیات فارسی به ریاست محمد بحرینی فرد مطرح گردید و اعضای انجمن با تبادل نظر به خصوص در زمینه ی نقد و سبک شعری به بحث و گفتگو پرداختند.

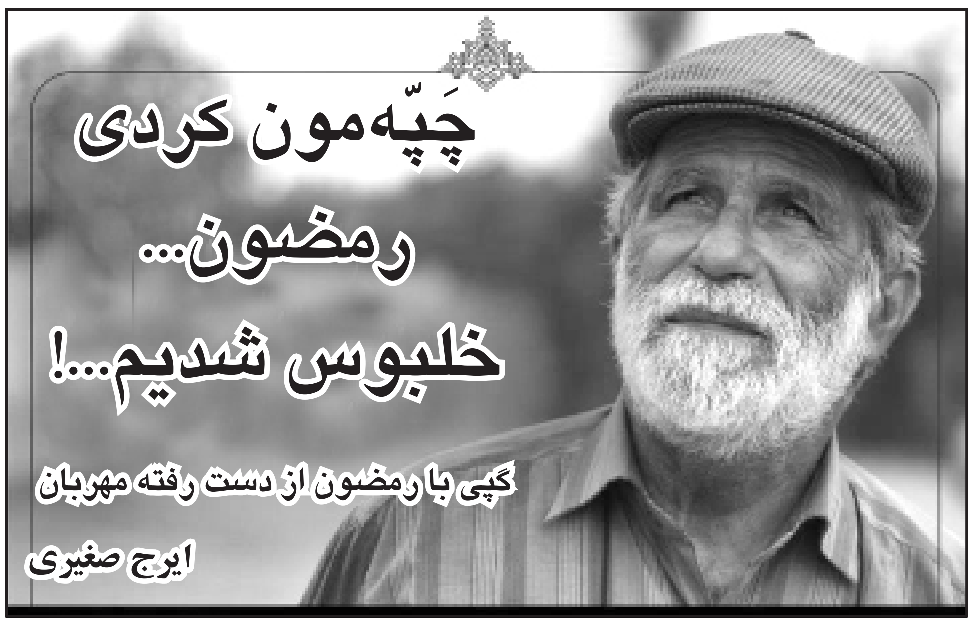
در این جلسه ادبی یکی از غزلیات حافظ با مطلع «دوش رفتم به در میکده خواب آلوده» توسط بحرینی فرد شرح شد و زیبایی ها ، نکات بیانی و بدیعی و موضوعات محوری این غزل مورد بررسی قرار گرفت. پس از پایان غزل وی به سوالات مطرح شده با محوریت این غزل پاسخ داد. در بخش دیگر جلسه اشعار شاعران جوان مورد نقدو بررسی قرار گرفت و زیر نکته های شعری ، نقاط ضعف و قوّت اشعار گوشزد شد.در پایان مسائل و موارد مربوط به آیین بزرگداشت فردوسی که در این شهر برگزار می شود جهت هماهنگی و همکاری های لازم با دوستان و سازمان های مربوط جهت برگزاری هر چه بهتر این مراسم مورد بررسی قرار گرفت. لازم به ذکر است نشست های این انجمن هر هفته روزهای یکشنبه در سالن شهرداری این شهر با همکاری حوزه هنری بوشهر برگزار می گردد.

بدرود با پیرمرد تئاتر بوشهر ... در اردیبهشت تئاتر ایران

شاهین بهرام نژاد



رمضان امیری عصر روز یکشنبه ۱۷ اردیبهشت در مجتمع فرهنگی بوشهر بدرود حیات گفت.
تاریخ و محل تولد: ۱۳۲۳بوشهر
تخصص: نویسنده، بازیگر، کارگردان
تحصیلات: کاردانی ادبیات نمایشی
اجراها: کارگردانی نمایش"اردشیر و اردوان" نوشته"ایرج صغیری"؛ بوشهر؛ ۱۳۴۲
بازی در نمایش"نادرشاه" نوشته"ایرج صغیری" ؛ بوشهر؛ ۱۳۴۳
بازی در نمایش"گمراه" نوشته"مهدی رستگار" ؛ بوشهر؛ ۱۳۴۴
نگارش نمایشنامه"رقص مرگ" ؛ ۱۳۴۴
کارگردانی نمایش"سربداران"؛ بوشهر، تهران، تئاترشهر، تالار اصلی؛ ۱۳۶۲
کارگردانی نمایش"نخل سوخته" نوشته"علی غلامی"؛ تهران، ؛ ۱۳۶۳
بازی در نمایش"گرگ کهنه" نوشته"علی غلامی"؛ بوشهر، مشهد، تهران، ؛ ۱۳۶۷
بازی در نمایش"حوضچه مروارید" نوشته"علی غلامی"؛ بوشهر، خوزستان؛ ۱۳۶۶
بازی در نمایش"زیر بیرق بیگانه" نوشته"علی غلامی"؛ بوشهر؛ ۱۳۶۸
بازی در نمایش"جلیقه نجات زیر صندلی شماست" نوشته"احمد آرام"؛ ؛ ۱۳۷۱
نگارش و کارگردانی نمایش"هفت لیوا"؛ بوشهر، تبریز؛ ۱۳۷۳
نگارش و کارگردانی نمایش"زائران برزخ"؛ بوشهر؛ ۱۳۷۴
نگارش و کارگردانی نمایش"فصل پنجم"؛ بوشهر؛ ۱۳۷۵
نگارش و کارگردانی نمایش"فصلی دیگر"؛ بوشهر؛ ۱۳۷۶
نگارش و کارگردانی نمایش"کتل"؛ بوشهر، لرستان؛ ۱۳۷۷
نگارش، کارگردانی و بازی در نمایش"سیاه بازی"؛ بوشهر؛ ۱۳۸۳ – ۱۳۸۰
بازی در فیلم سینمایی"تاتوره"
بازی در فیلم سینمایی"ستارگان خاک"
بازی در فیلم سینمایی"راز شب بارانی"
بازی در مجموعه تلویزیونی"مسافر عاشق"
بازی در مجموعه تلویزیونی"رهایی"
بازی در فیلم تلویزیونی"باران"
بازی در فیلم تلویزیونی"شب ساحل"
او مهیای بازی در آخرین فیلم مجیدمجیدی "کودکی پیامبر" بود.....روحش شاد.



چپّه‌مون کردی رمضون... خلبوس شدیم...!

گپی با رمضون از دست رفته مهربان

ایرج صغیری

چه ِمی‌کنی رمضون...؟ کجا رفتی...؟ قرارمون ٍای نبید. اصلاً حالا حالاها نه وقت رفتن بید! تو خو مثلاً میومدی عیادتم، اگر مو از مرگ و رفتن کلامی می‌گفتم، با دلخوری می‌گفتی: «ای حرفا نزن که پا میشُما»! حالا خوت رفتی؟! ای لامروت... هَی... ای‌جوری؟ بی‌خبر؟ یه دفعه‌ای؟ گیچم تو کارت. تو خو پنهون‌کاری بلد نبیدی حد عمرت. چه شد که تونستی جلو خوت بگیری و قضیه‌ی سفرت با هیچ‌کس، حتی با مو در میون نِیلی؟ همی ایام عیدی امسال که منوچهر از سوئد اومده بید، خوت و علیباش (دشتی) اومدین دنبالم ورداشتینُم که بریم جنب «چرو». یادم نمیره وقتی که علیباش پیاده شد بره زنگ در خونه منوچهرینا بزنه، مو و تو تهنا موندیم تو پراید علیباش. گفتی «چه جورٍی؟» گفتم: «به نظرم بو حلوا میاد!» تو ساکت شدی. مو مثلاً می‌خواستم یه حقیقتی تو قالب طنز سیت بگم. اما تو ساکت شدی. مو جلو نشسته بیدم و تو عقب. واگشتم که ببینم چتن. بغض و اشکات دیدم. فحش خوم دادم که سی چه آزردمت. یادت میاد یا نه؟ خو، حالا که یادتن سی چه خوت رفتی؟ او هم تک و تنها...؟ آدم چه سیت بگه رمضون؟ البته هر چی بگم تُف سر بالان. اما حیرونم که چه جوری سی خوت گرفتی و هیچی هم نگفتی‌ها. تا یادم میاد تو نمی‌تونستی جلو زبون خوت بگیری. ولی حالا یه دفعه‌ای: «ناگهان بانگ برآمد که رمضون رفت...» هر وقت می‌خواستیم چیزی بفهمیم که از ما پنهون کرده بیدن «علیرضا» (حق‌شناس) می گفت: «بریم سراغ رمضون که ای خودمگیرکن!» درست هم می‌گفت علیرضا. اما حالا چه شد. یعنی چه تحولی در تو پیدا شد که یه مرتبه‌ای شدی «تودار» و «مرموز» و نم پس ندادی و رفتی؟ خومونیم، ای کار آخرت کار قشنگی نبید. بدجوری واپیچندیمون. بدجور. تو خو وقتی زنگ زدی مشهد، که مو تو بیمارستان بیدم، گوشی داده بیدی دست «حاج‌علی» و هوروک‌هوروک گریه امونت نمی‌داد. نتونستی باهام حرف بزنی حتی. ترسیده بیدی که مو زودتر برم. حالا چه شد که خوت پیچانه بستی و...؟

انگار انتظار یه پشنگه داشتی ها نه؟ همی که سکته گفت: «هله لنگ» تو ِهم گفتی: «چکه لنگ»! دست‌خوش آقارمضون...! واقعاً که دستت درد نکنه و ای رفاقتت. همی می‌خواستی که سی همه‌مون، بیلی تو خماری و خوت بری؟ ما شیرین‌ترین و زنده و پویاترین ایام زندگی‌مون با هم گذروندیم. مگه از یاد میره؟ رپّه‌رپّه خاطرات یکی‌یکی. هر وقت به یادت می‌افتم یه گله‌ای خاطره مثل سیاه‌چهرا میان تو مخیله‌ام. راستی دیروز تو مسجد حسین دیدم؛ «حسین ماهینی» اومده بید فاتحه‌ات. می بینی چه ساده می‌گم فاتحه‌ات؟! همو، به همی سادگی‌ان همیشه. زندگی‌هامون هم به همی بی‌اعتبارین. یادت میاد سالی که با «علیرضا و محمد شهبازی» با دوچرخه رفتیم شازادابریم؟ گمونم «علیباش» هم بیدش. یادتن؟ اما کار هم کردیما کارسون. یا باز یادتن که بوا و ننه‌هامون با فعالیت تئاتری ما مخالف بیدن؟ یعنی همه خو مخالف بیدن. مدیر، ناظم مدرسه تهدیدمون می‌کرد که: «دست از سر تئاتر (که او اسمش نهاده بید شادی رقصوندن) وردارین.» حتی بچه‌های هم‌کلاسمون، اوناهم بی‌معرفتا با زهرخند و چیل‌کجی مسخره‌مون می‌کردن. طعنه‌مون می‌زدن. حتی دبیرا. یادت می‌یاد خو. دبیرامون هم بد و بیراه می‌گفتن سیمون. فقط سی خاطری که ما رفتیم تمرین تئاتر. اما خومونیم دو سه تا دبیر هم بیدن که روحیه می‌دادنمون‌ها. میون او همه حمله‌های گازانبری و حمله‌های قیچینی و منقاشی و هزار رقم حمله‌ی جور واجور دیگه، تشویق ای دبیرای انگشت‌شمار، محترم و عزیز (اگه مردن خدا بیامرزتشون اگر هم زنده هسن تندرست و سلامت باشن) دبیرایی مثل زنده‌یاد نعمتی‌زاده و آتشی. مثل آقای کتیبه دبیر زبان یا آقای رستگار که معلم «باقری» بید و آقای پرویز پروین که طفلی با او همه استعداد کرده بیدنش کارمند دفتری. تشویق اینا بید که سی ما سرپا نگه می‌داشت. یادت میاد خو ناظم معروفمون (حالا اسمش نمی‌یارم) میومد دم در کلاس و می‌گفت: «صغیری و رقاصاش بیان برن سالن!» ما از رو نمی‌رفتیم. حتی فراش مدرسه هم می‌اومد وسایلمون بلند می‌کرد مثل ابزار گریم و لباس‌هامون ور می‌داشت که اذیتمون کنه. پناه بر خدا انگاری ما مشغول جنایت شده بیدیم. «تو سر ما زدن ثواب اخروی داشت.» خلاصه یادت میاد خو آقا رمضون که تصمیم گرفتیم فرار کنیم بریم تهرون چون تو بوشهر نمی‌نهادن کار بکنیم و فهمیده بیدیم که تهرون جای پیشرفتن. با هم قرار نهادیم که میریم تهرون و روزا میریم تو پارک‌ها پیل در میاریم. علیباش که صداش خوب بید آواز می‌خونه، علیرضا هم که شاعر بید سی مردم شعر می‌خونه، مو و تو و شهبازی هم تئاتر بازی می‌کنیم. یعنی ادا درمیاریم دلمون خش که کلی درآمد داریم تو تهرون. چه رؤیاهای کودکانه‌ای که تو نوجوونی اومده بید سراغمون. البته همیشه همه‌چی دیر اومد سراغمون. آخه مِی‌نه بوشهر دیر تهرون بید همه چی دیر می‌رسید. کیهان چهار پنج روز بعد می‌رسید. همه‌چی دیر می رسید. از جمله رؤیای کودکانه، تو نوجوونی ما می‌رسید و رؤیای جوونی تو پیری می‌اومد سراغمون! علتش خو می‌فهمی چنن؟ به حساب خومون «اروا همه‌ی کسمون» می‌خوایم کلاه سر عزراییل بیلیم و فکر می‌کردیم وقتی اومد حتماً میگه: «خوب دیگه پیر شده‌اید. وقت رفتن است. آماده شو برای قبض روح» ما هم جوابش میدیم: «اشتباه می‌کنی آقای محترم! ما هنوز پیر نشده‌ایم. سیل آرزوها و رؤیاهای ما بکن. نه خودمانیم. این‌ها آرزو و تخیل یک پیرمرد است؟! معلوم است که نیست، ما هنوز خیلی وقت داریم. تازه اوّل چل‌چلمان است. خوب توی دفترت نگاه بکن حتماً اشتباه شده است!» اما عزراییل پکه‌تر از ای حرفهان. میگه: «جمع کن مرد حسابی. تو میدانی چند هزار سال است که آدم‌هایی مثل شما را می‌بینم؟ ای کلکها کهنه شده. یاالله دراز ... وقت شما تمام است!» و کار هم تموم میشه. هم خوش خوبن سی دل خوش‌کنکی...! سی ای میگن «عقب‌افتادگی‌ها» حال کردی جون مو؟ بچه‌های حالا قدر نمی‌دونن. باید مثل ما ای شکنجه‌ها ببینن تا قدر عافیت بدونن. باز هم ما که کلی هوشیاری می‌اومد سراغمون و خریت نمی‌کردیم نقشه‌هامون اجرا کنیم. باز هم یادت میاد، گت‌تر که شدیم خواستیم طیاره از فرودگاه بدزدیم، ببریم مصر جنب «جمال عبدالناصر»!! او زمان او سمبل انقلابی‌گری بید. تو گفتی «هفت تیر از کجا بیاریم سی خلبان تهدید کنیم؟» مو گفتم: «یه هفت‌تیر تقلبی می‌سازیم قشنگ رنگ سیاه می‌زنیم (به نظرم از فیلم وودی آلن یاد گرفته بیدم) اروا بوای خلبان که بفهمه ای هفت تیر کو الکین». تو گفتی: «تفتیش می‌کنن نمیلن هفت‌تیر با خُمون ببریم تو هواپیما». اگر درست یادم باشه انگاری علیرضا بید که طرح داد و گفت: «بهترین کار استفاده از بوای رمضونن» خدا رحمتش کنه ای پیرمرد مهربون «عامو عباس» هم تو فرودگاه استخدام بید. تو گفتی: «محالن آغام قبول کنه» علیرضا گفت: التماسش می‌کنیم. گولش میدیم. می‌گیم سی تئاتر می‌خوایم» خلاصه فکر درخشان علیرضا تصویب شد. اما یادتن خو چه عاملی نقشه‌مون به هم زد؟ «پیل بلیط هواپیما نداشتیم»!! می‌بینی بزرگترین ماجراجویی ما تا چه حد معصومانه و کودکانه بید؟ اصلاً از اوّل هم می‌فهمیدیم که ارزش علمی و واقعی ندارن ای نقشه‌ها، ای خیالا. فقط گفتن ای آرزوها و رؤیاها سی ما اهمیت داشت. فرصتی بید تا خیالاتمون سی کس یا کسایی تعریف کنیم که می‌شنفن، او هم با علاقه می‌شنفن و اهمیت میدن. مخ قضیه همی بید.

خدا بگم چت کنه رمضون، ای سفر آخریت حالمون گرفت. چپه‌مون کرد. خلبوس شدیم. علیرضا تو قبرستون سی مو و ماشاءالله (دکتر امیری) تو بغل گرفت و هوروک‌هوروک گریه کرد. راستش مو جلو گریه‌ام گرفتم. می‌ترسیدم، زَهله‌ام می‌رفت که بغضم بترکونم و واویلا بشه. آخه یه بُغضی قد یه لیمو تو بتم راه‌بندون درست کرده. نمی‌فهمم کی می‌تِنگه در. شایدم منتظر برج عقربن. آخه برج عقرب وقت لیمون!

سی چه کردی رمضون؟ حالا باید منتظر بمونم مینیم کی حالش داشته باشی بیای تو خُوُم. جون هر چی مردن زودتر بیو. می‌فهمم «دیرنا» اما بیو. ما خو همیشه دیرمون شده، ای هم ریش.

بیت الاحزن بوشهر

عبدالمحمد جوکار

چند سال پیش، مطلبی درمورد قبرستان و غسالخانه قدیمی بوشهر نوشته آقای علی برازجانی دبیر محترم دبیرستانهای بوشهر بصورت گذرا، بدون ذکر منابع و در دو برگ در ماهنامه سیراف به چاپ رسیده بود. در همان زمان انگیزه ای شد تا با استفاده از منابع بیشتر تاریخی، اظهارات افراد قدیمی و مشاهدات گذشته، تاریخچه بنای « بیت الاحزن» که بخشی از خاطرات دوران کودکی و نوجوانی در کنار آن گذشت، درحد ممکن مستند و کاملتر نوشته و به یادگار گذاشته شود.

بندر بوشهر یکی از مراکز قدیمی تمدن بشری است که در ادوار مختلف تاریخی از اهمیت ویژه ای برخوردار بوده است. بوشهر جدید که از دوران زمامداری نادرشاه افشار حیات خود را آغاز کرد در دوره ناصرالدین شاه قاجار مورد توجه ملل قدرتمند اروپائی قرار گرفت. همگام با رشد و شکوفائی اقتصادی این شهر بندری، استفاده از مظاهر زندگی شهر نشینی مورد توجه قرار گرفت تا آنجار که تجار و اعیان شهر احداث عمارت های باشکوه را در سر لوحه کار خود قرار دادند.

بوشهر در این روزگار شهر عمارتها بود که به نوشته سفرنامه نویسان چشم انداز آن از دریا هر بیننده ای را به وجد می آورد. امروز از آن عمارتهای باشکوه تعداد اندکی از جمله عمارت ملک التجار در بهمنی و عمارت حاج رئیس در محله شنبدی باقیمانده است که عظمت گذشته خود را تاکنون هم حفظ نموده اند. تعداد زیادی از این ساختمانها به جهت واقع شدن در مسیر خیابان، توسعه اسکله و احداث ساختمانهای جدید از بین رفته اند و به نوشته علی برازجانی « هر یک از این اماکن همانند پیری از اعضای خانواده است که وقتی از دست می روند جای خالی او در همه حال پیش چشم است و غمگینانه می بینی که ستونی که تو را با بخش از خاطرات گذشته پیوند می داده است از میان رفته است.»

علیرغم اهمیت تاریخی و اقتصادی بوشهر و بهره مندی از مظاهر زندگی شهری، از جمله مدرسه، دبیرستان، حمام، بهداری، قرنطینه، گمرک، نظمیه، دفاتر تجاری، بازار و مساجد و آب انبار بزرگ، فاقد غسالخانه بوده و مردگان را در کنار دریا شستشو و غسل می داده اند.

در آن دوران دیوار شمالی قبرستان از مسجد فیل تا کنار دریا، دیوار غربی کل محوطه باغ ملی، دیوار جنوبی از باغ ملی تا پشت دبیرستان سعادت و دیوار شرقی از دبیرستان سعادت تا مسجد فیل را شامل می گردید. به فاصله کمی دورتر از باغ ملی بطرف جنوب نیز قبرستان یهودی ها (پشت دفتر هواپیمائی، کنار سازمان جهاد کشاورزی فعلی) قرار داشت.

تاریخ احداث اولین غسالخانه مربوط به سفر حاج سیاح به بوشهر می باشد. حاج محمد علی محلاتی معروف به حاج سیاح پس از سالها زندگی در خارج از کشور از راه بوشهر وارد ایران می گردد. او در کتاب خاطرات خود می نویسد: «روز چهاردهم رجب سال ۱۲۹۴ قمری مطابق با مرداد ماه ۱۲۵۶ شمسی با کشتی وارد بوشهر شدم. یک نفر از مجحر کشتی صعود کرد با من اظهار آشنائی نمود. دیدم میرزا فرج اله ارسنجانی است. گفت: آقا محمدعلی ملک التجار سفارش کرده که شما را به محض ورود به منزل او ببرم. این ملک صاحب ثروت و شهرت زیاد است. در همان حال غلام او حاجی شیرخان نام پیدا شد، اظهار دعوت ملک را نمود گفت : چون خودش علیل و بستری است مرا فرستاده. گفتم : چون مریض است به ملاقات و عیادت می آیم، لیکن زحمت نزول به منزل ایشان نمی دهم. پس به منزل میرزا فرج اله فرود آمدم. بعد از زمانی استراحت به گردش پرداختم. در کنار دریا چادر مختصری دیده شد، معلوم شد که زنی مرده در آنجا غسل می دهند و کسی در قید نیست غسالخانه بسازد. با اینکه اهل بوشهر ثروت زیاد دارند لیکن همت ندارند. بعد به عیادت ملک التجار رفتم. دربستر نشسته، سئوالاتی از هند، عدن، زنگبار و غیرها کرد. چون معروف بود که خیلی خسیس است مهیا ندیدم که از او خواهش کنم در بوشهر غسالخانه بنا کند.»



همانطور که اشاره شد، در آن زمان بوشهر دارای اماکن مختلف خدمات شهری بوده است که سرمایه احداث و هزینه نگهداری ماهانه آن از سوی تجار و بزرگان شهرتأمین می شده است. مانند مدرسه ها، دبیرستان سعادت، مساجد، حمام ها، سفره های طعام روزانه و در ماههای رمضان، محرم و صفر که در مساجد و خیریه ها برای پذیرائی از عموم گسترده می شده است. از سوی دیگر حکمران دولتی نیز با ساختن اماکن عمومی مانند آب انبار قوام، بازار، بهداری، قرنطینه، همت خدمت به شهر را داشته اند و در این زمینه از خیلی شهرهای کشور جلوتر نیز بوده اند، لذا ساخت اتاقی برای غسالخانه بودجه و همت چندانی نیاز نداشته است. به احتمال زیاد به جهت برخورداری از دریای بیکران، ساخت غسالخانه را ضروری نمی دیدند.

حاج سیاح در ادامه سفر به شیراز می رود در آنجا با شخص ثروتمند و خیری به نام حاج محمد صادق اصفهانی آشنا می شود. در صفحات ۲۰ و ۲۱ کتاب خاطرات خود می نویسد «حاج محمد صادق اصفهانی آدم بسیار خوبی است و از او متمولتر در شیراز نیست. خیر و احسان زیاد کرده. به من گفت: خواهش دارم هر گاه نظرت عملی خیر و خرجی با فایده بیابید به من اطلاع دهی، چون شما را خیرخواه و بی غرض و بی طمع می بینم اطاعت می کنم. من تشکر کرده گفتم : خواهش دارم غسالخانه ای در بوشهر بنا کنید که اموات خصوصاً نسوان را زیر آسمان غسل ندهند. متقبل شد که با اولین پست بنویسد این کار را انجام دهند.»

غسالخانه ای که حاج محمد صادق اصفهانی در قسمتی از محوطه قبرستان ساخت به نام « بیت الحزن» معروف شد، بنا به اظهار قدیمی های محل، ساختمان کرسی دار بلند یک طبقه ای با ابعاد هشت در هشت متر بوده که از سمت شمال رو به مسجد فیل حدود ده پله داشته است. زیر اتاق غسالخانه آب انبار و دارای حوضچه ای ساروجی برای شستن اموات و اتاق دیگر محل نشستن همراهان و خواندن نماز میت بوده است.

حاج سیاح در اواخر ماه صفر ۱۲۰۱ قمری (دی ماه ۱۲۶۲ شمسی) به قصد سفر به هندوستان به بوشهر می آید و از ساختمان بیت الحزن دیدن می کند. در صفحه ۲۷۹ کتاب خاطرات خود می نویسد: « بعد از وداع از دوستان در اصفهان بطرف بوشهر روان شدم در بوشهر پسر صاحب دیوان حکومت داشت. در چهار برج (ساختمان کنونی اداره گمرک) منزلم داده احترام نمود. از حاجی محمد صادق اصفهانی که بموجب خواهش من غسالخانه ای در بوشهر ساخته امتنان کردم.»

با گسترش شهرنشینی و نیاز به ساختمانهای اداری، قبرستان به خارج از شهر و به محله شکری در کنار کاروانسرای کریمخانی منتقل می گردد. ساختمان بیت الاحزن تخریب و محل قبرستان نیز صاف می نمایند. تاریخ ساخت بیت الاحزن دوم مشخص نیست. پس از تخریب بیت الاحزن اول، بنا به نوشته حسن برازجانی «حاج ابوالحسن در زمین خیریه خودش واقع در پشت دبیرستان سعادت اقدام به ساخت بیت الاحزن دیگری نمود. حاج ابوالحسن دارای سه پسر بود. یوسف (کلانتر بوشهر) محمد و عبدالنبی که پس از درگذشت پدر، کار گاراژداری و تجارت را به شراکت ادامه دادند. ساخت غسالخانه توسط عبدالنبی انجام شد که این خیریه را در ملک پدری احداث کرد. متصدی و مرده شوی این بیت الاحزن سالهای دراز ملاعبدالرضا نامی بود که چون ساختمان بیت الاحزن در منطقه گاراژها ساخته شد مردم شوخ به آن "گاراژ ملاعبدالرضا" می گفتند.

در زمین قبرستان قسمت غربی (باغ ملی) را با درختکاری توسعه می دهند. قسمت دیگر را با خیابانی از باغ ملی جدا کرده (خیابان پشت بیمارستان) و ساختمان سازمان شیر و خورشید (بیمارستان فعلی) احداث می نمایند. بقیه زمین پس از کشیدن خیابان (خیابان جلو بیمارستان) به محل احداث دانشسرای پسران تبدیل شد. در محل ساختمان بیت الاحزن اول، خانه سرایدار دانشسرا ساخته شد. زمین شرقی قبرستان (بعد از کوچه مسجد) که محل کپرهای مرده شورها بود در زمان حسن ناصر مستوفی رئیس اداره کل فرهنگ به سالن امتحانات، کتابخانه و آزمایشگاه اختصاص یافت.

با ساخت غسالخانه در قبرستان شکری، بیت الاحزن دوم هم از رونق افتاد. کلید دار بیت الاحزن مرحوم حاج حسین روانا بود که از این محل برای نگهداری تابوت و لوازم مسجد فیل استفاده می نمود. پلکان ورودی بیت الاحزن سالها محل نشستن و بازی کردن ما بود. ساختمان مرموز و خوفناک با درب تخته ای بسیار بزرگ که کنجکاوانه بدنبال راهی برای دیدن داخل آن بودیم. خوشبختانه یکبار که مرحوم حاجی روانا برای بردن تابوت درب بیت الاحزن را باز نمود موفق به دیدن داخل آن شدم. حوض بزرگی در سمت غرب و سکنچه ای سمنتی (سکوی سیمانی) بطول دو متر در سمت چپ قرار داشت که محل شستن اموات بود، در پشت سکنچه نیز توی دیوار با تخته برای گذاشتن لوازم طبقه بندی کرده بودند. تعدادی بیل، منتیل، سطل، ملاسی (حلبی) نیز درگوشه دیگر قرار داشت. آنطور که ما تصور می کردیم داخل بیت الاحزن هم خوفناک نبود.

ساختمان بیت الاحزن تا قبل از انقلاب هم پابرجا، شاهد توسعه شهر نشینی و تحولات اجتماعی بود. پس از انقلاب ساختمان بیت الاحزن تخریب و زمین آن به محوطه دبیرستان سعادت اضافه گردید. به مرور زمان نام حاج سیاح، محمد صادق اصفهانی، حاج ابوالحسن و بسیار مردان خیر دیگر نیز به فراموشی سپرده شد.

منابع :
ـ اسمعیل نوری زاده بوشهری، نظری به ایران و خلیج فارس، نشر بیجا، بی تا
ـ حاج محمدعلی سیاح محلاتی، خاطرات حاج سیاح یا دوره خوف و وحشت ، چاپ اول ، ابن سینا تهران ، ۱۳۳۶
ـ سام رسائی کشوک، شکوه ابوشهر، انتشارات شروع بوشهر، ۱۳۸۴، چاپ اول
ـ علی برازجانی، ساختمان بیت الاحزن، ماهنامه سیراف، سازمان آموزش و پرورش صفحه ۱۶ تا ۱۹ ، بقیه صفحات و شماره ماهنامه یافت نشد.
ـ محمد ابراهیم کازرونی، تاریخ بنادر و جزایر خلیج فارس، چاپ اول، مؤسسه فرهنگی جهانگیری تهران، ۱۳۶۷
ـ مسعود بهنود، این سه زن، چاپ پنجم، چاپخانه بهمن، نشر علم، ۱۳۷۶



رودوم...! رود جونی...!

در تجلیل از مقام مادر

آکا صفوی

"رود" زمزمه ایست زلال و جاری...
"رود" در انتها به سر سبزترین کوچه ها در بهترین دهکده جنگل پوش می انجامد.
"رود" زیباست، زیباترین کلمه جهان آنگاه که مادر جنوبی با صورت آفتاب سوخته اش فرزند دلبند و جگر گوشه اش را مخاطب می دهد. محبوب ترین خطاب و عاشقانه ترین آوا.
مادر بوشهر وقتی می خواهد فرزندش را در صمیمی ترین پرده احساس صدا بزنند او را رود...! رودوم...! رود جونی...!
مو لالات میکنم تا ماه نشینه / الهی هیچ مادر داغ فرزندش نبینه
حکایت ها در ورای لالایی ها خفته است، حکایت های شیرین و عارفانه ...
مادری که صدای لالایی خود را در فضای مهتابی شب طنین انداز می کند تا آن هنگام که ماه در بستر غروب نشیند، این بیداری بیداری الهی است.
آغشته به روشنایی ماه و مکاشفه اندوه .
لالایی شعر بدوی مادران است.
اشک چشم می فشاند و روح را در فضای معصومیت پرواز میدهد.
توضیح :"رود" عاطفی ترین کلمه مادر بوشهری خطاب به فرزند.
"رود" نام سازی در ایران باستان. مفتون دشتی در یک دوبیتی که صنعت جناس به زیبایی در آن به چشم می خورد از کلمه "رود" به زیبایی تمام استفاده کرده است.
اگر یعقوب شد کور از غم "رود" (فرزند)
زهجر رود می نالید چون" رود" (ساز)
چرا مفتون ز بهر رود مردم
مدام از دیده اش جاری بود "رود" (رود آب)

مادر، ای بهترین شعر زندگی

پیمان زندویان

مادر، تو رفیع ترین داستان حیات منی. تو به من درس زندگی آموختی. تو چون پروانه سوختی و چون شمع گداختی و مهربانانه با سختی های من ساختی.
مادر، ستاره ها نمایی از نگاه توست و مهتاب پرتوی از عطوفتت، و سپیده حکایتی از صداقتت. قلم از نگارش شُکوه تو ناتوان است و هزاران شعر در ستایش مدح تو اندک.
مادر، تو کتاب نامکتوب مرارت هایی، تو دیوان محبت هایی، تو ناب ترین واژه شعر خلوصی؛ تو بلندترین داستانِ حماسیِ ایثاری. ای قصیده بلند عشق؛ ای عاشقانه ترین غَزل؛ ایَ مثنوی رنج ها؛ تو بیت الغزل از خودگذشتگی هستی؛ تو قافیه احساس قلب منی؛ تو منظومه بلند فضیلت هایی تو بهترین بیت رباعی محبتی.
مادر، شعر وجود تو را، واژه واژه می نوشتم و رعناترین غزال غزل هایم را به سویت روانه می کنم. دو بیتی های احساسم را همراه با شادمانه ترین ترانه فصل های زندگی ام، نثار دل بهاری ات می کنم. ای بهترین شعر زندگی.
مادر، اگر نمی توانم کوشش هایت را ارج نهم و محبت هایت را سپاس گزارم، پوزش بی کرانم را همراه با دسته گلی از هزاران تبریک، بپذیر. فروغ تو تا انتهای زمان جاوید و روزت تا پایان روزگار، مبارک باد.

وداع در آن هوای ابر و گرد و غبار گرفته

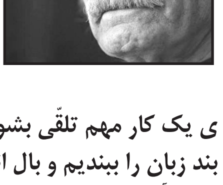


حسین زارعی: درست وسط آن دو درخت پیر توی بهشت صادق میان دو سنگ خاک‌های زمین بهشت صادق به زردی می‌زد. نه سایه‌ای بود توی آن هوای ابر و گردوغبار که روی خاک بازی کند نه آفتابی که جایی را کارد بزند توی آن عصر.
همه اهل هنر بودند، چند تا چند تا دور همدیگر درست انگار توی مجتمع فرهنگی که مثلاً جشنواره باشد، تا آن‌طرف‌تر آنجا که به ساختمان آخری می‌رسد از در شیشه‌ای بشود رد شد و پا توی اتاق گذاشت و دنبال چیزی گشت که لازم شده. همان‌جا که می‌شد پیرمردی را دید با عینک شیشه ضخیم و دسته کائوچویی. ممکن بود سیگاری توی دستش باشد که توی دودش خودش را غرق کرده باشد تا نگاه کند و اصلاً بدون لبخند و جدی بگوید: «شما اینجا چه می‌خواین؟ گناوه گذاشتین اومدین که چه؟» بعد بلند شود بیاید سلام کند. تندتند بگوید: «سلام؛ تو خوبی؟ من خوبم.»
انگار این همان نبوده که توی مدرسه دانش گناوه معلم بوده آن سال‌های دور و او نبوده که نمایش " افعی طلایی" را به شکلی توانا در گناوه روی صحنه برده است. و آن همه اجرا توی بوشهر داشته است. تازه لبخند بیاید و آن چهره دودی و جدی را بشکند و توی آن صورت، ریش بلند سفید پیدا شود، آن وقت بند سیاه عینک روی گیس‌های سفید بلندش جابه‌جا شود و برود سمت اتاقک کنار دفترش که تبدیل شده به آبدارخانه خصوصی، استکان‌ها را خودش بشوید، اجازه ندهد حتی کمکش کنند و نهیب به کسی بدهد که بخواهد جلویش را بگیرد. سینی استکان‌ها را بیاورد و چند چای بریزد روی صندلی توی گوشه‌ای بنشیند یا ننشسته جواب کس دیگری را بدهد که برای چیزی آمده.
تا کسی بگوید حاجی، تکه‌ای بیندازد و جوابی به طنز بدهد با آن سینه سیگارآلودش. آنقدر ساده است گاهی اتفاقی بزرگ که آدم باورش ندارد یا نمی‌خواهد باور کند، که این خاک‌های زرد زیر آن درخت‌ها جای آن اتاق باشد برای پیرمرد که مهربان بود. غریب است این خلاء برای کسی که حجمی داشته. کسی که با گیس‌های سفیدش توی صحنه خیز بر می‌داشته یا جلو دوربین گپ می‌زده.
درست توی آن عصر بی‌آفتاب و گرد و غبار زیر آن خاک‌های زرد کسی آرام گرفته بود، پیرمرد که با گیس‌های سفید توی اتاق ساختمان آخر مجتمع سیگار می‌کشید، چای درست می‌کرد و مهربان تلخ می‌شد. آن مهربانی آنجا بود درست زیر سایه آن برهام پیر./ گناوه آنلاین.

بوی گازوئیل ساکنان عسلویه را خفه کرده

هوای شهر عسلویه همراه با بوی شدید گازوئیل آمیخته شده و شدت بوی گازوئیل چنان زیاد است که مردم را دچار خفگی شدید کرده است.
تنها مرکز درمانی که فاقد امکانات است قادر به پاسخگویی مراجعه کنندگان نیست .
مردم را کلافه کرده که فرزندان خردسال و بزرگسالان و افرادی که تنگ نفسی و سایر بیماری ها دارند را به کجا ببرند؟
این امر قبلا سابقه نداشته است.
علت نشت این گازوئیل تا الان نامشخص است.
/blogfa.com.http://dzd۸۹

اندیشیدن



اندیشیدن را جدی بگیریم. اندیشیدن. آن چه ما کم داریم، مردان و زنانی است که اندیشیدن را جدی گرفته باشند. اندیشیدن باید به مثابه ی یک کار مهم تلقّی بشود. اندیشه ورزیدن. بند زبان را ببندیم و بال اندیشه را بگشاییم.
(دولت آبادی،محمود. نونِ نوشتن)

آگهی تاسیس

شرکت بازرگانی آذران مهر لیان با مسئولیت محدود.شرکت فوق در تاریخ ۲۰/۰۲/۱۳۹۱
تحت شماره۹۴۰۹ و شناسه ملی ۱۰۹۶۰۰۳۴۱۰۱ در این اداره به ثبت رسیده و در تاریخ ۲۰/۰۲/۱۳۹۱ از لحاظ امضاء ذیل دفاتر تکمیل گردیده و خلاصه شرکت نامه آن به شرح زیر جهت اطلاع عموم در روزنامه های رسمی آگهی می شود.۱-موضوع شرکت: صادارت و واردات کلیه کالاهای مجاز طبق قوانین و موازین وزارت بازرگانی و گمرکات کشور جمهوری اسلامی ایران.۲- مدت شرکت: از تاریخ ثبت به مدت نامحدود.۳-مرکز اصلی شرکت:۱-۳- استان بوشهر- شهر بوشهر عالشهر فاز ۲ بازار چه مروارید ورودی ضلع شرقی درب دوم طبقه بالا سمت راست. ۴- سرمایه شرکت :مبلغ ۱۰۰۰۰۰۰۰ ریال می باشد. ۵- اولین مدیران شرکت:۱-۵- خانم مرضیه رزمی به سمت رئیس هیئت مدیره.۲-۵- آقای عباس غریبی به سمت نائب رئیس هیئت مدیره.۳-۵- خانم مرضیه رزمی به سمت مدیر عامل به مدت نامحدود انتخاب گردیدند.۶- دارندگان حق امضاء: کلیه اوراق و اسناد بهادار و تعهد آور شرکت از قبیل چک- سفته- براوات- قراردادها- عقود اسلامی با امضاء خانم مرضیه رزمی همراه با مهر شرکت معتبر می باشد.۷- اختیارات مدیر عامل: طبق اساسنامه. خسرو میرشکاری رئیس ثبت واسناد و املاک واحد ثبتی بوشهر. ۳۴۰م/الف

نسیم جنوب
اجتماعی
شماره ۶۶۲ - یک شنبه۲۴ اردیبهشت ۱۳۹۱
NASIM JANOUB

گذری کوتاه بر وقایع تاریخی بندر بوشهر

از زائر محمد بانکدار تا شیر محمد یاغی



زرتشت دوانی

ماجرای واقعی شیر محمد از محدود حوادثی تاریخی شهر بوشهر می باشد که داستانش از نقل و قول ها و قهرمان سازی عامیانه بندر بوشهر با دست قلم دو نویسنده معروف بوشهر یعنی رسول پرویزی و صادق چوبک در تاریخ ادبیات داستانی در ایران و با ترجمه آن به زبانهای دیگر شکل جاودانه ای را به خود گرفت.

داستان غیرتمندی فردی که برای اعاده حقش، نخست از راه مسالمت آمیز و شکایت به عدلیه به نتیجه ای نمی رسد و دست آخر به زور و انتقام گیری متوسل میشود و دزدان ، مفت خوران و دغلبازانی که سرمایه و تلاشش را با نیرنگ از چنگش بیرون آوردند، به کام مرگ میکشاند و با این عمل غیرتمندانه نام و خاطره خود را مثال و تعریف محافل ، مجالس، بازار، شهر و.... می نماید

چندین سال پیش برای اولین بار مطلبی کوتاه از شخصیت حقیقی شیر محمد تقدیم خوانندگان نمودم و براساس استنادی بر خاطره صادق چوبک و چندین سالدار بوشهر، سال وقوع این حادثه بیاد ماندنی را در حوالی سال ۱۳۰۱خ تخمین زدم.

اما اینکه شیر محمد در بوشهر چه کاره بود از چه شغلی امرار معاش می نمود و آیا به قول صادق چوبک دکون جو فروشی دم دروازه داشت یا خیر از جمله پرسش های بی پاسخ و قابل شک و تردیدی بود که جای پژوهش می طلبید.

در همین مورد، سالها پیش در گفتگویی که با استاد سید محمد علی مهیمنان پور که در حدود هفتاد سالگی را سپری می نمود، داشتم از پدرش نقل کرد که شیر محمد با آنها نسبت خانوادگی داشته و اینکه می گویند وی از لحاظ مالی، فردی ضعیف او از طبقه پایین جامعه بوده و اندوخته اش را از راه کارهای سخت و در خدمت دیگران بدست آورده، نادرست است. به گفته وی، شیر محمد شخصی بانکدار و در شهر از شهرت فراوانی برخوردار می بوده است و این دزدان و دغل بازانی که سرمایه اش را به نابودی کشاندند از روی حسادت و طمع با او دست دوستی و شراکت دراز کردند و در آخر با اغفال نمودن او هستیش را بر باد دادند.

این گفته با آنکه از زبان فردی سالدار و مورد اعتماد باز گو شده بود، ولی بخاطر تحت تاثیر قرار گرفتن از داستان (تنگسیر) صادق چوبک و نبود منابع مستند زیاد جدی نگرفتم و به ذکر آن هیچ وقت نپرداختم.

اما اخیرا کتابی چند جلدی از مجموعه تلگرافات و گزارش های تاریخ معاصر ایران بنام «روز شمار تاریخ معاصر» بدستتم رسید که در جلد سوم که به حوادث سال ۱۳۰۲خ می پردازد در خبرسه شنبه ۱خرداد ۱۳۰۲مصادف با ۲۲مه ۱۹۲۴ مضمون تلگرافی از بندر بوشهر نقل می کند: «عدم رسیدگی به شکایت



محمد صراف تنگستانی او را وادار به قتل شش نفر کرد. دعوای حقوقی محمد با یک بزاز مدتها در عدلیه بوشهر معطل ماند. محضر شرع هم به شکایت او توجهی نکرد. او امروز ابتدا بزاز،



و سپس شیخ ابوتراب مجتهد برازجانی و مادر و دخترش را کشت. دو نفر وکیل عدلیه هدفهای بعدی محمد بودند که آنها هم کشته شدند. وی پس از ارتکاب این قتل ها فرار کرد.»

در این گزارش که تاریخ وقوع حادثه ، صراف بودن شیر محمد و واقعی بودن ماجرا به خوبی نمایان هستند بخصوص آنکه شغل صرافی با تعریفی که استاد مهیمنیان پور از بانکداری او شنیده بود، نشان از آشکار شدن شخصیت تاریخی شیر محمد از فضاهای تاریک تاریخ اجتماعی بندر بوشهر را می دهد.

با آنکه صادق چوبک برای ساخت شخصیت شیر محمد از تخیل و خاطرات کودکی خود مدد جسته، اما مهمترین عامل شکل گیری این داستان در دیدار وی با شیرمحمد، و خیره شدن چشمان هردو به هم دیگر و آنهم در آن روز تاریخ ساز و باز ثبت این رویداد تاریخی و اثرگذاری آن در ذهن کودک شش ساله، موجب گشت در دهها سال بعد صادق چوبک داستان بلند و تاریخی تنگسیر را از خود به یادگار بگذارد.

جالب است که در گزارشهای سالانه کنسولگری انگلیس این حادثه مورد توجه قرار گرفته است و در گزارشی چنین شرح میدهد: «در ماه ژوئن یک سری قتل های فوق العاده هولناکی در روز روشن توسط شخصی انجام گرفت، زیرا به شکایت او بابت پول از دست رفته اش رسیدگی نشد و کسی به داد او نرسید. لذا او خود اجرای قانون را به دست گرفت و بدهکار، یک نفر ملا و خانواده اش و دو وکیل از پای در آورد.»

براساس منابع مستند دیگر نارضایتی عمومی از کارگزار که مدتی پست حاکمی بوشهر نیز منصوب شده بود، توام با اجحافات و تعدی به اهالی بوده، در دفعات متعدد از او به مرکز شکایت نموده بودند. بخصوص آنکه انجمنی موسوم به «انجمن اتحاد وطن خواه وطن» در نامه ای که به روزنامه شفق سرخ فرستاد او را متهم به رشوه، دزدی و خیانت کرد بود.

همین روحیه فاسد و غیر مردمی حکمران موجب گردید مردم بوشهر با این اقدام متهورانه شیر محمد دست به تحصن، اعتصاب و تعطیلی اماکن کسب خود نمایند و موقعیت اقتصادی شهر را به حدی وخیمی تبدیل نمایند و در آخر یمین الممالک (اسدالله یمین اسفندیاری) را چنان مجبور نمودند که در تلگرامی که به وزیر جنگ فرستد و از او خواست با رئیس الوزراء صحبت کرده، استعفای او را که پنج روز پیش فرستاده بپذیرد. وی حتی برای پوشاندن بی عرضه گی و سیاست جانب بیگانه بودن خود، علت این عصیان عمومی را اینگونه بهانه می کند که «نه قشون با من مساعدت می کند نه اختیاری در نظمیه دارم که بتوانم بر وضع موجود فائق شوم» و در ادامه تلگرافش «وضعیت پیش اآمده را توطئه ای دانست که برای برکناری او چیده شده است».

جالب است کنسولگری انگلیس که همیشه یک گوشه فتنه و فساد در بوشهر از سوی عوامل پشت پرده آنها هدایت می شد، رفتن حکمرانی یمین الممالک از بوشهر را که اتفاقاً روابط صمیمانه ای با آنها داشت را این گونه در گزارش سالانه خود به پایان می برند: «وحشت و هراسی که به دنبال این اقدام خشونت آمیز به وجود آمده بود به طغیان خشم علیه حکمران مبدل گشت و قاطبه مردم بوشهر خواستار لغو ماموریت او از تهران شدند و به مدت دو هفته اداره تلگراف را محاصره یا به اشغال در آوردند و تا برکناری یمین الممالک حاضر به ترک آن جا نشدند.»

پزشک نسیم جنوب

دکتر علی صالحی، دندانپزشک در بوشهر در مصاحبه با نسیم جنوب:

بوی بد دهان و راههای رفع آن

– آقای دکتر برای اولین سوال بفرمایید بوی بد دهان از چیست؟

– بوی بد دهان سه دلیل عمده دارد:۱– بیماری های مربوط به دهان و دندان (شامل پوسیدگی های دندان و بیماری های لثه)۲.– بیماری های مربوط به حلق و بینی و سینوس ها: سینوزیت– پولیپ بینی– لوزه های چرکی و...کل بیماری های حلق و بینی. ۳– بیماری های داخلی: ناراحتی معده و روده و دستگاه گوارش که هر یک از بیماری ها ی فوق باید توسط پزشک متخصص تشخیص و درمان شود.

– برای جلو گیری از بوی بد دهان باید چه کار کرد؟

– بیماری های لثه را درمان کرد و بهداشت دهان را منظم و خوبی داشت.

– نظرتان درباره استفاده از زبان پاک کن برای جلوگیری از بوی بد دهان چیست؟

– بعضی از مسواک ها طوری تعبیه شده که از روی دسته آنها می توان به زبان پاک کن استفاده کرد یا اینکه بعد از شستن دندان ها به آرامی با مسواک روی زبان را پاک کرد .

– تغییر رنگ زبان در اثر چیست؟

– در اثر خوردن بعضی از خوراکی ها به طور موقت رنگ زبان تغییر می کند، در بعضی از موارد در تب بالا زبان تغییر رنگ می دهد و به اصطلاح با آن زبان باردار می گویند.

– مسواک زدن تاثیری بر جلوگیری از بوی بد دهان دارد؟

– بله حتما تاثیر دارد. با هر بار مسواک زدن میلیون ها باکتری مضر از دهان خارج می شود.

– چرا شبها حتی با اینکه مسواک می زنیم ولی صبح باز هم دهانمان بو می دهد؟

– به همان دلایل ذکر شده که منشا بوی دهان مثلا: از سینوس ها یا دستگاه گوارشی است.

– چه توصیه ای برای خوانندگان ما دارید تا بتوانند از این مشکل رهایی یابند؟

حتما به پزشک مراجعه کنند تا علت یابی شود و برای درمان اقدام نمایند.

عسلویه زادگاه عشق به آبادیست

علی هلالی



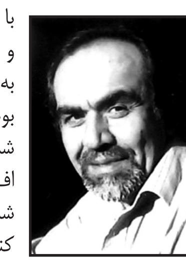
Photo: Amin Nazari

زادگاه من عشق به آبادیست
بوی سخاوت گفتن آرزوها
و شنیدن دردهاست.
زادگاه من آن پایین آبادیست
چشمه ای می جوشد
خرم و آباد در رقص چناره ها ،
بوی نسیم گاز
با آتش شعله ها مادرم می پزد
هلیم در دیگ مخازن گاز،
مردم ما کجا مقصرند
که نانشان از انبارهای سر باز گوگرد
تلخ شود و قلمه شان از خراش خونین گلو بگذرد،
همه چیز نهفته است در این خاک
حتی سعادت و آبادی !
ولی همه چیز آب دار شده است
مثل انار سرخ رسیده
که دانه های یاقوتیش ،
با نیشخند با امید استاندار
از پوست درآمده تا در بازار آنجا
بفروش رود
ولی که حیف برمی گردد در بازارچه
انتهای کوچه بمست ما
دردست پیر زن
غلط می خورد تو جوی آب،
مردم ما کجا مقصرند که حُسن مهربانیشان
بفروش رود وگفته شان خموش شود؟
مردم ما کجا مقصرند که گفته های یک شاعر
سند حال پردازش یک تاریخ شود
و آنها را به آدمهای خمار توی خواب بسرایید؟!
همه چیز آبدار شده است

یادداشت ورزشی

نالایقی مدیران عامل سقوط شاهین

اسماعیل بهبهانی



با سقوط شاهین به لیگ دسته اول و باز ماندن ایرانجوان از راهیابی به لیگ برتر، فوتبال دوستان بوشهری با اندوهی سترگ مواجه شدند. اگر حضور در دیدار پلی اف را برای عبدالرحیم خرمزی و شاگردان او نوعی موفقیت قلمداد کنیم، سقوط شاهین بزرگ ترین ناکامی فوتبال بوشهر در سالیان اخیر است. در دو فصل اولی که شاهین بوشهر در لیگ برتر حضور داشت، روزهای پایانی لیگ برای هواداران این تیم ریشه دار و مردمی با دلهره و اضطراب توام می گشت و بقای شاهین در گروی دعاهای آنان و نتایج دیگر تیم ها بود و شاهین با خوش شانسی در لیگ برتر ماندنی می شد. اما در این فصل و با نتایج روزهای ابتدایی آن هواداران احساس خوبی داشتند و فکر می کردند در پایان فصل حداقل برای بقا نگرانی نخواهند داشت. اما متأسفانه عواملی مانند: ضعف مدیریتی، مشکلات مالی و حواشی ناشی از آن و عدم حمایت مناسب و به موقع مسئولین استانی شاهین را به جایی رسانید که در یک هفته مانده به پایان لیگ سقوطش قطعی شد.

اگر به اسامی مدیرانی که در این فصل به شاهین آمده و رفتند نگاهی داشته باشیم علت اصلی این ناکامی را می تواند یافت «گزی – افراشته – ابوالفتحی – بهمن دهقان – علی دادگر – محمد پور – پولادی و ... هر کدام چند صباحی مدیریت شاهین را تجربه کردند اما هیچ کدام دردی را درمان نکردند. انتخاب حمید درخشان و بعد از او فیروز کریمی نیز چاره گشای شاهین نبود. بازگشت مجدد درخشان در حد فاجعه به ضرر شاهین تمام شد و حضور دوباره او باعث به وجود آمدن حواشی مختلفی شد که تا هنوز هم ادامه دارد و ای کاش تصمیم گیران شاهین پس از فیروز کریمی به اصغر کامیاب اعتماد کرده و تیم را به او می سپردند.

مشکلات مالی شاهین در این فصل از آن جایی شروع شد که قرارداد فی مابین باشگاه و بانک صادرات پس از افشای ماجرای اختلاس بزرگ بانکی خاتمه یافت و تلاش های علی افراشته رییس هیئت مدیره نیز برای جایگزین نمودن پست بانک به جای بانک صادرات با عدم حمایت مسئولین استانی بی ثمر ماند. اختلاف و ناراحتی بازیکنانی که مطالباتشان از فصل قبل نیز باقی مانده و پولی دریافت نکرده بودند با مشخص شدن تفاوت و میزان پرداختی های بعضی از دیگر بازیکنان و بی پولی شاهین به اوج خود رسید تا امتیازهای حساسی در میانه فصل از دست برود و مدیران شاهین نیز نتوانستند مسئله را به درستی فیصله دهند.

گرفتاری های مالی درحالی به شاهین ضربه می زد که در اواخر سال ۸۹ و در دور سوم سفرهای استانی هیئت دولت به بوشهر، احمدی نژاد که با تقاضای مردمی برای کمک به فوتبال این شهر مواجه شده بود در برنامه زنده تلویزیون که از شبکه استانی پخش می شد به مردم استان قول داد که شاهین و ایرانجوان دیگر مشکلی مالی نخواهند داشت. پیگیری قضیه منجر به انعقاد تفاهم نامه ای میان معاونت راهبردی رییس جمهور – وزارت نفت و استانداری بوشهر شد که بر اساس آن وزارت نفت مبلغ ۵ میلیارد تومان برای کمک به این دو باشگاه مردمی پرداخت نماید. اما وزارت نفت به بهانه های مختلف از اجرای آن سرباز می زد تا در ماه های پایانی سال گذشته و در جریان سفر رستم قاسمی (وزیر نفت جدید) به بوشهر و با پیگیری مجدانه حضرت آیت الله صفایی بوشهری این مبلغ در اختیار استان قرار گرفت. اما متأسفانه از مبلغ ۵ میلیاردی که با قول رییس دولت و پیگیری امام جمعه بوشهر به استان آمد چیزی کمتر از یک میلیارد به دو باشگاه شاهین و ایرانجوان رسید و مابقی آن در اختیار اداره ورزش و جوانان استان بوشهر ماند تا به قول جمشیدی مدیر کل آن با این پول باد آورده به کارهای عقب افتاده اداری و کمک به هیئت های ورزشی و سر و سامان دادن به دیگر معضلات ورزشی استان رسیدگی شود و یا مبلغ چهار صد میلیون از آن را برای تجلیل از قهرمانان و مدال آوران استان در سه سال گذشته هزینه شود. بدیهی است که رسیدگی به مشکلات هیئت های ورزشی و قدردانی از قهرمانان استان کار درست و به جایی است و اگر در سال های گذشته انجام نشده نقطه ضعف بزرگی در کارنامه مدیران ورزش استان است. اما پرداخت این هزینه ها از محل مبلغ ۵ میلیارد اهدایی دولت به باشگاه های شاهین و ایرانجوان کار ناصوابی است زیرا اگر کل مبلغ اهدایی احمدی نژاد (همان طور که ایشان قول داده بودند) به شاهین و ایرانجوان می رسید و به موقع هم می رسید. شاید امروز هواداران شاهین به جای اشک، خون گریه نمی کردند و علاقمندان به ایرانجوان هم تیم محبوب خود را در لیگ برتر می دیدند.

به هر روی در حالی که امروز مسئولین ورزشی در استان و مسئولین شاهین یا یکدیگر را متهم می کنند و یا به طور شگفت انگیزی از انتظار غایب شده اند، می بایست به غیرت و شجاعت اصغر کامیاب آفرین گفت که در حالی که کمترین تقصیر از نگاه مردم توجه او است با عذرخواهی از مردم استان و هواداران شاهین سعی بر التیام آلام آنان دارد.

رونوشت آگهی حصروراثت

خانم فاطمه سلیمانی دارای شناسنامه شماره ۴۴۵ بوشهر به شرح دادخواست به کلاسه ۹۱/۳۶ حوزه۲ از این دادگاه درخواست گواهی حصر وراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان عبداله داس بوشهری بشناسنامه ۷۶۰ آبادان در تاریخ ۲۵/۱/۹۱ اقامتگاه دائمی خود را بدرود زندگی گفته ورثه حین الفوت آن مرحوم منحصر است به:۱- محمد داس بوشهری بشناسنامه شماره ۸-۰۵۳۳۰۳-۳۴۹ بوشهر پسر.۲-فاطمه فاطمه سلیمانی بشناسنامه شماره ۴۴۵ بوشهر همسر.۳- توران خضری پور بشناسنامه شماره ۸ کازرون مادر متوفی. اینک با انجام تشریفات مقدماتی در خواست مزبور را در یک نوبت آگهی می نماید تا هر کسی اعتراضی دراد و یا وصیتنامه از متوفی نزد او باشد از تاریخ نشر نخستین آگهی ظرف یکماه به دادگاه تقدیم دارد والا گواهی صادر خواهد شد.رئیس شعبه دوم شورای حل اختلاف بوشهر- عبدالحسین غریبی .م/الف۳۱۷

نتیجه فاجعه افتضاح مدیریتی در شاهین

گرانترین بازیکنان جهان در شاهین !

روزهای ابتدایی فصل، زمانی که هر ساعت خبر از قراردادهای چندصد میلیونی بازیکنان نامدار لیگ با شاهین منتشر می شد، هواداران بوشهری فکرش را هم نمی کردند که این هزینه های گزاف به چنین تراژدی ای ختم شود.

میثم منیعی نامنظم بازی می کرد و حتی یک ۹۰ دقیقه کامل در ترکیب قرار نگرفت. او به خاطر نداشتن آمادگی بدنی مجموعا ۱۵۰ دقیقه یعنی کمتر از دو بازی برای شاهین بازی کرد. نکته جالب که در این میان شنیده می شود، این است که علی پروین ۱۵۰ میلیون از شاهین، حق مشاوره دریافت کرده است.



یکی از این بازیکنان میثم منیعی بود که پس از دو فصل ناموفق در مس کرمان و تراکتور که جمعا تعداد بازی هایش در این دو تیم به انگشتان یک دست هم نمی رسید، این فصل به شاهین آمد. اما او تنها به شاهین نیامد و در نقش یک ایجنت، چند بازیکن را نیز با خود به این تیم آورد. اما منیعی تنها کسی نبود که راه ورود بازیکنان گران و بی کیفیت به شاهین را بازگذاشت.

حمید درخشان که سرمربی شد، سوگلی اش علی انصاریان را با خود آورد. این مدافع ۳۵ ساله که چند سالی بود از سطح اول فوتبال کشور فاصله داشت، به این تیم لیگ برتری پیوست. او در دو هفته اول ثابت به میدان رفت و سپس ۲۴ هفته متوالی غایب بود. او از هفته ۲۷ تا الان به صورت متناوب به میدان می رود. سریال قهر و آشتی انصاریان هم در نوع خود جالب بود. او سه بار از این تیم قهر کرد و دوباره برگشت. انصاریان که اضافه وزنش کاملا مشهود است، یکی از ضعیف ترین بازیکنان شاهین بوده است به طوری که در بازی با سپاهان هر بازیکنی اراده می کرد، به راحتی از کنار او رد می شد.

نام بازیکن	تعداد بازی	قیمت حدودی (میلیون تومان)	میانگین
وحید طالب لو	۳۰	۸۰۰	هر بازی ۲۷ میلیون
کرار جاسم	۳۴ دقیقه	۷۰۰	دقیقه ای ۲۰ میلیون!
هادی شکوری	۳۰	۶۰۰	هر بازی ۲۷ میلیون
علی انصاریان	۶	۴۸۰	هر بازی ۸۰ میلیون
میثم منیعی	۱۵۰ دقیقه	۴۵۰	دقیقه ای ۳ میلیون!
محمد پروین	۰	۴۲۰	!!!
محسن ایران نژاد	۲۹	۴۰۰	هر بازی ۱۳ میلیون
عباس پورخسروانی	۲۸	۳۴۰	هر بازی ۱۲ میلیون

خریدارهای قابل قبول

در لیست همراهان منیعی، می توان شکوری و طالب لو را جزو خریدهای خوب به حساب آورد. این دو تنها در دو بازی تیمشان غایب بودند. شکوری هرچند مدتی متهم به کم کاری می شد و با مربیان تیم مشکل پیدا کرد، ولی در مجموع بازیکن خوب و تاثیرگذاری در شاهین بود. عملکرد طالب لو درون دروازه به گونه ای بود که باشگاه آشفته شاهین، حداقل نگرانی ای بابت دروازه اش نداشته باشد.

خریدهای افتضاح

شاهکار خریدهای شاهین را می توان محمد پروین و جاسم کرار دانست. پروین که فقط در ۸ جلسه آن هم فقط در تمرینات تهران حضور پیدا کرده بود و در اردوی ترکیه هم همراه این تیم بود، حتی یک دقیقه هم برای این تیم به میدان نرفت. کرار یاغی هم که در مجموع ۳۴ دقیقه برای این تیم بازی کرد و در باقی مواقع به بهانه هایی چون مصدومیت غایب بود، در حالی که برای تیم ملی عراق به میدان می رفت. جالب اینکه پروین و کرار بیشترین پول را از باشگاه دریافت کردند. گفته می شود، پروین ۸۰ میلیون از پول خود را دریافت کرده است. کرار هم که گویا ۲۰۰ میلیون از پول خود را گرفته، به علت اینکه زمان گرفتن چک ایران نبوده با شکایت باشگاه شاهین مواجه شده است.

از علی پروین تا درخشان

میثم منیعی نامنظم بازی می کرد و حتی یک ۹۰ دقیقه کامل در ترکیب قرار نگرفت. او به خاطر نداشتن آمادگی بدنی مجموعا ۱۵۰ دقیقه یعنی کمتر از دو بازی برای شاهین بازی کرد. نکته جالب که در این میان شنیده می شود، این است که علی پروین ۱۵۰ میلیون از شاهین، حق مشاوره دریافت کرده است. شاهکار شاهین را می توان، قرارداد ابتدای فصل با سوشا مکانی دانست. او که ۵۵۰ میلیون با باشگاه قرارداد بسته بود، ۵۰ میلیون نقدا دریافت کرد و براساس شنیده ها چک ۵۰۰ میلیونی افراشته، رییس هیات مدیره شاهین هنوز دست اوست.

وطن خواه و ابراهیم زاده، مدیران فنی اول و دوم تیم روی هم ۲۰۰ میلیون تومان از باشگاه گرفتند. البته این موارد عجیب و غریب به اینجا ختم نمی شود. شخصی به نام ابوالفتحی؛ زمانی که بانک صادرات اسپانسر شاهین بود، به عنوان نماینده این بانک در شاهین انتخاب می شود.

البته نکته جالب اینجاست که او نسبت فامیلی نزدیکی با میثم منیعی دارد. خود منیعی در ابتدای فصل به صورت غیررسمی گفته بود دو میلیارد تومان در اختیار او قرار گرفته تا تیم را ببندد! جدیدترین اتفاق اطراف این تیم نیز در نوع خود جالب است. بهمن شیروانی که گفته می شود توسط یک دلال- خبرنگار، فصل پیش سر از تیم شاهین درآورد، از شاهین شکایت کرده است.

شیروانی که به گفته میثاقیان و درخشان به درد فوتبال نمی خورد، در همان تمرینات رباط پاره می کند. در حالی که قرارداد بازیکنان شاهین حداکثر ۱۰ میلیون تومان بود، او ۹۰ میلیون قرارداد می بندد. در حالی که مربیان تیم قسط های خود را دریافت نکرده بودند، او تمام پول خود را دریافت می کند. حالا او برای هزینه های مداوای خود از باشگاه شاهین شکایت کرده است.

منبع: http://www.golgot.ir

دو تیم فوتبال بوشهر در آستانه صعود به لیگ دسته دوم

تیم‌های فوتبال پرسپولیس گناوه و کارگر بنه گز در آستانه صعود به لیگ دسته دوم قرار گرفتند. به گزارش خبرنگار مهر، در حالی که تیم‌های شاهین و ایرانجوان بوشهر سال آینده در لیگ دسته اول حضور خواهند داشت، با صعود دیگر نمایندگان استان بوشهر به لیگ دسته دوم فوتبال کشور، شاهد ازدحام تیم‌های بوشهری در لیگ دسته اول و دوم کشور در فصل آینده خواهیم بود. تیم کارگر بنه‌گز که رقابت تنگاتنگی با تیم دارتاک لرستان برای صعود به لیگ دسته دوم دارد عصر پنجشنبه به مصاف این تیم رفت. شاگردان غلامرضا دلگرم موفق شدند با حساب ۴ بر یک صدرنشین گروه دارتاک را شکست دهند تا هر دو تیم با کسب ۱۴ امتیاز در رده دوم جدول قرار بگیرند و همچنان شانس حضور در لیگ دوم را داشته باشند.

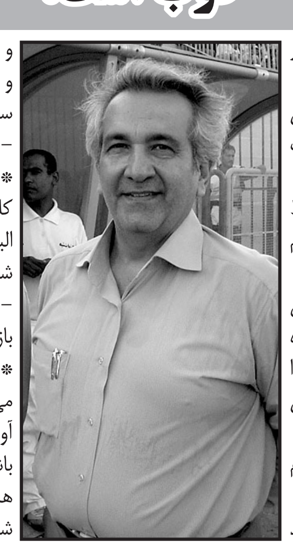
پرسپولیس گناوه، دیگر نماینده استان بوشهر در لیگ دسته سوم نیز در ادامه مسابقات مرحله نهایی دور برگشت لیگ دسته سوم کشور با کسب یک پیروزی با ارزش مقابل سپاهان نوین اصفهان، در آستانه صعود به لیگ دسته دوم قرارگرفت.

در این مسابقه که عصر پنجشنبه در ورزشگاه شهید سراجی گناوه برگزارشد، تیم میزبان با یک بازی برتر توانست با نتیجه دوبریک نماینده اصفهان را شکست دهد.

پرسپولیس گناوه در دو دیدار باقیمانده خود به عنوان میهمان به مصاف تیم های دارتاک لرستان و ذوب فلزات همدان می‌رود. از این گروه دو تیم به صورت مستقیم به لیگ دسته دوم کشور صعود می کنند و تیم سوم نیز به مرحله پلی آف راه می‌یابد و تیم برنده این مرحله نیز به لیگ دسته دوم کشور صعود می کند. تیم پرسپولیس برازجان دیگر نماینده استان بوشهر در لیگ دسته دوم فوتبال کشور است.

مصاحبه خیالی با احمد گزی همه کاره هیأت مؤسسین شاهین:

هواداران نگران نباشند، وضعیت شاهین فوق‌العاده خوب است!



– آقای گزی! در خصوص سقوط شاهین از لیگ برتر چه نظری دارید؟

* چی؟! کی گفته شاهین سقوط کرده؟! شاهین به هیچ عنوان سقوط نکرده و همچنان با قدرت به کار خود در لیگ برتر ادامه می‌دهد.

– اما لیگ به پایان رسید و تیم‌های سقوط کننده مشخص شدند که متأسفانه شاهین هم یکی از این تیم‌ها بود؟

* این‌ها همه شایعاتی است که برخی از کسانی که دست‌شان از منافع شخصی در باشگاه کوتاه شده درست کرده‌اند. من همه‌ی این شایعات را تکذیب می‌کنم. حیف که به خاطر حفظ آرامش تیم نمی‌توانیم از آنها شکایت کنیم.

– اما این خبر را سازمان لیگ و تمام خبرگزاری‌ها اعلام کرده‌اند؟

* هواداران اصلاً نگران نباشند. من با سند و مدرک حرف می‌زنم. کارشناسان حقوقی باشگاه یک ایراد در مورد بازی هفته‌ی دوم لیگ برتر متوجه شده‌اند که تیم مقابل یک بازیکن غیر مجاز را بازی داده و اگر سه امتیاز آن بازی به ما برگردد، ما همچنان در لیگ برتر حضور خواهیم داشت.

– اما در هفته‌ی دوم که شاهین در زمین خود ۳ امتیاز را کسب کرد و نیازی به شکایت ندارد؟!

* جدی؟! پس حتماً هفته‌ی سوم لیگ بوده است!

– در صورت کارگر نیفتادن این شکایت‌ها تکلیف چه می‌شود؟

* هواداران باز هم نگران نباشند. ما مذاکرات خوبی با تیم‌های تراکتورسازی و سپاهان داشته‌ایم که امتیاز لیگ برتری آنها را بخریم. البته می‌توانستیم با گهرزاگرس هم مذاکراتی داشته باشیم، اما دوست داریم ضمن حضور در لیگ برتر، در جام باشگاه‌های آسیا هم شرکت کنیم. اتفاقاً در تلاش برای جور کردن وامی برای خرید باشگاه لیگ برتری هستیم که در این راستا دو تا سند خانه از دوستان هم برای ضمانت بانکی تهیه کرده‌ایم.

– در حال حاضر باشگاه شاهین در چه وضعیتی قرار دارد؟

* الان شاهین در بهترین وضعیت ممکن در تاریخ خود به سر می‌برد. همه چیز فوق‌العاده است. این فصل تجربه‌ی بسیار بزرگی برای ما داشت. دیشب با هیأت مؤسس نشستیم و شام دِبشی زدیم و در مورد فصل آینده روی کاغذ صورتحساب رستوران قوام برنامه‌ریزی جامع و مفصلی کردیم. سال دیگر هدف باشگاه شاهین، قهرمانی در لیگ برتر خلیج فارس، جام حذفی ایران و حضور در فینال باشگاه‌های آسیا است. البته بلندپروازی نمی‌کنیم و فعلاً به همین حد از موفقیت بسنده کرده‌ایم و قهرمانی در آسیا و باشگاه‌های جهان را به سال‌های آینده موکول کرده‌ایم.

– از مشکلات تیم بگویید؟

* ما هیچ مشکلی نداریم. فقط نمی‌دانم چرا کلیدهایم به در اتاق‌های باشگاه نمی‌خورد که البته آن هم با کمی روغن‌کاری درست می شود!

– در مورد اتمام قرارداد برخی بازیکنان و جذب بازیکنان جدید بگویید؟

* شما اگر به آلبوم ورزشی من نگاه کنید متوجه می‌شوید که ما چه بازیکنان بزرگی را به بوشهر آورده‌ایم. الان قصد داریم چند ستاره دیگر به باشگاه بیاوریم تا آن چند برگ خالی آلبوم‌مان هم پُر شود و به افتخارات مصور باشگاه شاهین افزوده گردد. البته ما می‌دانیم که تیم باید یکدست باشد، به همین خاطر عذر مسعود نظرزاده را خواسته‌ایم و ضمن جریمه کردن، وی را در اختیار کمیته تنبیهی باشگاه قرار داده‌ایم، چون در یکی از گل‌هایی که خوردیم او مقصر صد در صد بود و وقتی توپ از دروازه‌بان رد شد، او روی خط نبود که توپ را از روی خط بیرون بیاورد!

– نظرتان راجع به انتقاداتی که در مورد هیأت مؤسس و مدیریت شاهین می‌شود، چیست؟

* این انتقادات هم در راستای همان حسادت‌ها و تخریب‌هاست. باور کنید الان خیلی از باشگاه‌ها و حتا باشگاه‌های اروپا سعی دارند از متد مدیریت شاهین پیروی کنند. همین دیروز نماینده‌ای از باشگاه بارسلونا در محل دفتر باشگاه حضور پیدا کرده بود و می‌خواست از نحوه‌ی مدیریت ما مطلع شود و آن را در باشگاه بارسلونا به کار ببندد. مثلاً نگاه کنید ما در باشگاه شاهین بازیکنی داریم که در ازای هر دقیقه بازی، ۲۷ تا ۳۰ میلیون تومان می‌گیرد. بله؛ جاسم کرار را می‌گویم. این در دنیا یک رکورد بی‌نظیر است که حتا لیونل مسی و کریستین رونالدو هم نتوانسته‌اند این رکورد را بشکنند و در یک دقیقه این همه کسب درآمد کنند. ما در این زمینه از آنها جلو زده‌ایم. البته ما می‌خواستیم با نماینده‌ی باشگاه بارسلونا در راستای تبادل داشته‌هایمان جلسه‌ای داشته باشیم که متأسفانه به دلیل قفل بودن درهای دفاتر باشگاه این امر میسر نشد و ما بعد از این که با هم عکس گرفتیم، به کنار دریا رفتیم و فلافل خوشمزه‌ای خوردیم تا حداقل ایشان با بخشی از فرهنگ جنوب ایران آشنا شده باشد و دست خالی از بوشهر نرود.

منبع: وبلاگ بُرلیسَک

سرپرست باشگاه ایرانجوان بوشهر:

اگر ایرانجوان پیروز می شد، خطرات جانی در انتظار ما بود و احیانا کشته هم می‌دادیم



سرپرست باشگاه ایرانجوان بوشهر در گفتگو با خبرنگار مهر اظهار داشت: چنانچه اعتراض تیم تبریز به ثمر بنشیند، به احتمال قوی نتیجه آن بازی را به نفع این تیم تبریزی می دهند که نهایتا باعث می شود تیم ماشین سازی با کسب امتیاز بیشتر از گهر زاگرس، باید در بازی پلی اف به مصاف ایرانجوان بوشهر برود.

کرم ایزدپناه در ارتباط علل ناکامی این تیم در بازی برگشت پلی اف با اشاره به جو خراب ورزشگاه بروجرد گفت: جو آن بازی بسیار وحشتناک بود و ما از این متعجبیم که چرا تمهیدات لازم برای این بازی اندیشه نشد و همچنین مفاد صورت جلسه امضا شده در فدراسیون فوتبال، در نظر گرفته نشد.

وی با اشاره به عدم در نظر گرفتن برخی موارد قانونی در بازی برگشت پلی‌اف اضافه کرد: طبق قانون باید پشت نیمکت تیم ما خالی باشد که طرفداران تیم گهر دورود آن را پر کرده بودند.

سرپرست باشگاه ایرانجوان بوشهر ادامه داد: در طول زمان این دیدار، طرفداران تیم گهر زاگرس از اطراف زمین بازی اقدام به پرتاب سنگ و بطری شیشه‌ای می‌کردند.

وی با اشاره به استاندارد نبودن زمین بازی افزود: نمی‌دانم فدراسیون و ناظر بازی روی چه اصولی زمین بروجرد را برای انجام این بازی حساس و حیاتی برگزیده بود.

ایزدپناه تصریح کرد: با آن جو وحشتناک، چنانچه ما پیروز نهایی بازی می‌شدیم، بخاطر ضعیف بودن حفاظ دور زمین، و همچنین دیگر تمهیدات لازم، خطرات جانی در انتظار ما بود و احیانا کشته هم می‌دادیم.

سرپرست ایرانجوان با بیان اینکه از نظر روانی و تمرکز فشار زیادی بر بازیکنان تیم ما وارد شد، بیان داشت: یک روز اعلام شد بازی در درود برگزار می‌شود، یک روز می‌گفتند در خرم آباد، یک روز در تهران که نهایتا بازی در بروجرد برگزار شد و این مسئله ما را به عنوان تیم میهمان بلاتکلیف کرده و به شدت تمرکز و روان ما را تحت‌الشعاع قرار داده بود.

صادق کرمی بازیکن سابق شاهین:

درخشان با تفرقه بین بازیکنان علت ناکامی های شاهین است

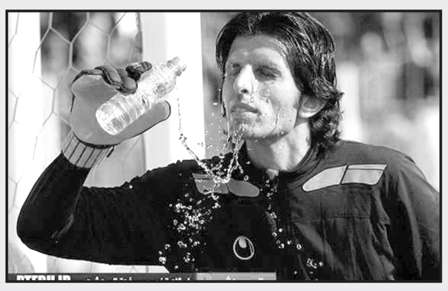
صادق کرمی بازیکن سابق شاهین که از این تیم به گهر زاگرس پیوست، درباره حرف های مسعود نظرزاده در برنامه ۹۰ گفت: همه حرفهای نظرزاده درست بود. اول فصل مقدار زیادی پول به حساب باشگاه شاهین آمد ولی درخشان آن را ناعادلانه تقسیم کرد و یادم هست در جلسه ای که داشتیم اعلام کردند هر پولی که به باشگاه می آید توسط من بین بازیکنان تقسیم می شود. تعجب می کنم چرا در برنامه نود اعلام می کنند پول ها توسط من تقسیم نشده . علت تمام ناکامی های این فصل شاهین هم بر میگردد به خود حمید درخشان چون بین بازیکنان تفرقه انداخته بود و با این تبعیض ها همه می آمدند همه حرفها و درد دل هایشان را مطرح می کردند. من نمی دانم چرا بقیه بازیکنان که از این قضیه ناراحت بودند حقیقت را بازگو نمی کنند. من با صحبت های مسعود نظرزاده کاملا موافق هستم ما اول فصل هر چه فریاد زدیم به گوش کسی نرسید حتی حمید درخشان می خواست من را از تیم اخراج کند . پول هایی که ناعادلانه تقسیم می شد اگر با مدیریت بین بچه ها تقسیم می شد و مقداری هم در حساب باشگاه برای سفرها نگه داشته می شد به این مشکلات به وجود نمی آمد. حدود ۶ میلیارد آمده معلوم نیست کجا رفته. در آن برهه زمانی آقای گزی اعلام کردند که بچه ها ۲۰ درصد به بالا پول گرفتند در صورتی که اکثر بچه ها ۵ ، ۱۰ درصد پول گرفته بودند. در جلسه ای که با گزی داشیم به بچه ها گفت که من دروغ مصلحتی گفتم تا جو تیم بهم نریزد در صورتی که همین حرف خودش دردسر ساز شد. برخلاف دوران کنگانی که رفاقت و صداقت حاکم بود این فصل فقط وعده می دادند. در مجموع بگویم من رفاقت و همدلی در شاهین ندیدم.

کرمی در مورد لباس هایی که درخشان برای شاهین خریده گفت: من می گویم لباس ها افتضاح بود من همه را روز اول دادم به هواداران. حتی یک بار هم نپوشیدم چون جنس های داخلی بهتر از جنس شرکت هایی است که معلوم نیست از کجا پیدا شده اند. فقط همین را بگویم من موقعی که داشتم لباس ها را به تماشاگران می دادم می گفتند این لباس ها که دسته دوم هستند لباس های نو به ما بده!

وی درباره سخنان مهدی نوری که گفته بود در بوشهر بازیکنانی نیست که در حد لیگ برتر و شاهین باشد، اظهار داشت: امسال شاهین مهره های سوخته زیادی داشت و بعضی از بازیکنانی که آورده بودند در حد و اندازه شاهین نبودند اگر در بوشهر به بازیکنانی امثال : مهدی طارمی ، میلاد صارمی ، مصطفی احمدی ، جواد سلیمانپور، محمد شمسی و .... که بازیکنان بومی و آینده داری هستند ولی به خاطر خود خواهی برخی از مربیان نتوانستند استعداد های خودشان را بروز دهند توجه کنند دیگر کسی این حرف ها را نمی زند. خوب نیست آدم چندسال نان و نمک یک شهر را بخورد و بعد این حرفها را بزنند. من خودم همیشه مدیون هواداران شاهین هستم.

آقای طالب لو صداقت داشته باش...

فاضل قنبرپور
مدیر پایگاه تخصصی فوتبال بوشهر



بعد از سقوط شاهین، مصاحبه ای بلند بالا از وحید طالب لو دروازبان شاهین بر روی خروجی خبرگزاری فارس قرار گرفت. به رغم گرفتاری های چند روزه اخیر و بی حوصلگی بابت سقوط یکی از تیم های پر طرفدار شهرم بوشهر، مجبور شدم قلم بر روی کاغذ برده و جوابی به مصاحبه طراحی شده کاپیتان این فصل شاهین بدهم.

آقای طالب لو! ابتدا از صمیم قلب برای شما آرزوی سلامتی دارم و امیدوارم هر چه زودتر شاهد حضورت در مستطیل سبز باشیم .

آقا وحید ! مصاحبه ات را در خبرگزاری فارس خواندم دلم گرفت برای خودم برای مردمم برای شهرم که با سادگی و صداقت تمام ، بوشهر را برای شما و امثال شما تبدیل به تفریح گاهی کردیم! راستش را بخواهی آقا وحید حق داری اینگونه گلایه کنی چرا که از ماست که بر ماست! ما بوشهری های غریب پرست هر چه می کشیم از خودمان است و بس!

در مصاحبه ات عنوان کرده ای نظرزاده بومی است و حالا که غیر بومی ها نیستند زمان خوبی است که همه تقصیر ها را به گردن آنها بیندازند! نه وحید خان بگذار تا کمی خودمانی بگویم چرا که تجربه حضور ۱۳ ساله ام در مطبوعات در این اوضاع و احوال مددرسان ذهن خسته من می باشد .

مسعود که حرف بدی نزد تنها گفت دریافتی او در مقابل سقف یک طبقه هم نبوده! آری وحید خان مسعود مانند شما و دیگر دوستان پایتخت نشین نه آنقدر ها حامی رسانه ای داشت و نه حجب و حیایش اجازه می داد و گرنه اگر نجابت را از این نجیب زاده بوشهری می گرفتند دوشنبه شب در نود حقایقی را عنوان می کرد تا عوامل سقوط شاهین بیش از پیش خجالت زده شوند .

آقا وحید! در مصاحبه ات گفته ای در تیم دو دستگی وجود نداشت! نمی دانم شاید گوش های من بوشهری را دراز فرض کرده ای یا خودت را به راهی دیگر زده ای! امجد و محسن را مثال زده ای اگر پای امانت داری از صحبت های این دو بازیکنان با غیرت غیر بومی مطرح نبود گفتنی ها را می گفتم تا کمی با جو تیمت بیشتر آشنا شوی!

در جایی دیگر از مصاحبه خود عنوان کرده ای مسعود نظرزاده بیشتر مواقع نزد خانواده اش بود و ما در خوابگاه سختی ها راتحمل می کردیم.

آقای کاپیتان! تو را به خدا بی خیال شو ، آن موقعی که مسعود برای رهن منزل مسکونی خود محتاج ۳۰ میلیون نا قابل بود و با بی مهری کامل آقای همیشه کت و شلواری روبرو شد کجا بودی !

راستی وحید عزیز آن شب چرا جواب عادل فردوسی پور همیشه عادل را در برنامه دوشنبه شب نود ندادی؟ جایی که پرسید آیا سقف قرارداد را رعایت کرده ای یا خیر!؟ چرا وقتی عادل در اقدامی غیر منتظره فیش واریزی به حساب شما به مبلغ ۲۰۰ میلیون تومان را رو کرد خاموش شدی! چرا نمی آیی مرد و مردانه بگویی تا امروز چند صد میلیون تومان از شاهین دریافت کرده ای؟

بگذار تا من بگویم ، ۶۳۰ میلیون تومان نا قابل! عملکرد شما هم دیگر جای حرف و حدیث باقی نگذاشت ...

در جایی دیگر گفته ای شاهین در حد تیم های محلی اداره می شد، اداره باشگاه شاهین بماند برای ما بوشهری ها که خودمان می دانیم در داخل این باشگاه چه گذشت و بس اما شما ، دروازبان و کاپیتان محترم باشگاه مردمی شاهین! اگر همین مسعود در ترکیب ۴ نفر خط دفاعی شاهین نبود دسته کم ده بار دیگر باید زحمت بیرون کشیدن توپ را از دروازه ات می کشیدی! پ ن پ قرار بود هادی شکوری یا علی انصاریان با آن کیلوهای اضافی دروازه شما را نجات دهند .(صحنه ی گل انصاری فرد را به یاد بیاورید)

البته حق داری آقای دروازبان! وقتی در شهر من علی انصاریان تیم را رها کرد و بعد از چند ماه دوباره سر وکله اش پیدا می شود و کسی نبود یقه او را بگیرد و در عین ناباوری در آخرین بازی خانگی بازوبند را به او هدیه می کنند دیگر حرفی برای گفتن نیست .

در جای دیگری گفته ای اگر از شاهین شکایت کردم با دوستانم در باشگاه مشورت کردم! این دوستان شما در باشگاه چه کسانی بودند که تیشه به ریشه شاهین میزدند؟ مگر نه مصاحبه کرده بودید که از شاهین شکایت نکرده ام و این شیطنت رسانه ها بوده...

ای داد ، ای وای بر ما ، شهرمن و در حقیقت استان من این روزها برای تشییع پیکر نماینده لیگ برتری اش در اندوه به سر می برد اما عادل فردوسی پور از پرداخت مبلغ دویست میلیونی به شما در هفته گذشته با مدرک مستند پرده بر می دارد.

بعضی وقت ها بخصوص در این هفته های پایانی لیگ برتر دلم برای محسن شمسی ، نواب صفوی ، سید محمود سیاهوشی نازنین، یا آن هواداری که در عالی شهر با فروش شارژ ایرانسل با آبرو گذران زندگی می کند و هزاران هزار بوشهری که چشم امیدشان به شما و امثال شما بود تا تیمشان در لیگ برتر بماند اما حیف و صد حیف که امانتدار خوبی نبودید.

واما کلام آخر این بازوبندی که شما بر بازو بسته بودی بر بازوی مرحوم گرانبها ، مرحوم احمد تورانی ، مرحوم مصلح ، عیساوندی ، دشتی و بازیاری بسته شده بود اما چه بگوییم از غریب پسندی خودمان در این دیار....

ما بوشهری ها مردمان روزگار سختیم شکست می خوریم اما نا امید نمی شویم امتیاز نمی خریم، سهمیه نمی خواهیم با تلاش و عشق به فوتبال به لیگ برتر می آییم. یا علی مدد.

هفته نامه سیاسی ، فرهنگی ، اقتصادی ، ورزشی

نسیم جنوب

nasimjonoub.com

- صاحب امتیاز: دکتر امیر خلف پور
- مدیر مسئول و سردبیر: یونس قیصی زاده
- مدیر گرافیک : میثم قیصی زاده
- نشانی: بوشهر، میدان قدس، کوچه جانبازان
- دفتر هفته نامه نسیم جنوب
- تلفن: ۲۵۲۵۹۰۰ فاکس و پیامگیر: ۲۵۲۸۱۵۱
- ایمیل: info@nasimjonoub.com صندوق پستی: ۱۱۹۹
- لیتو گرافی وچاپ : کارگر



نمک ناکامی ایرانجوان بر زخم سقوط شاهین

مجید رضائی : ایرانجوان آخرین تیر ترکش استان بوشهر برای داشتن نماینده در لیگ برتر فصل آینده بود که این تیم هم با وجود ارائه یک بازی خوب و منطقی نتوانست جواز حضور در لیگ برتر را کسب کند.

پس از قطعی شدن سقوط تیم فوتبال شاهین بوشهر از لیگ برتر، چشم امید فوتبال دوستان بوشهری به تیم ایرانجوان بود تا شاید این تیم بتواند با برتری مقابل تیم گهر درود لرستان به لیگ برتر صعود کند. تیم ایرانجوان درحالی به این مرحله رسید که در ابتدای فصل به دور از هیاهو و سر و صدا تیم خود را بست و با تکیه بر مربی بومی خود کم کم توجه فوتبال‌دوستان را به خود جلب کرد و توانست به



پلی‌آف صعود کند. ایرانجوان با بازی‌های درخشان خود در طول فصل ثابت کرد که همه چیز پول نیست و می‌توان با مربی بومی و بازیکنان بومی راه صعود به لیگ برتر را طی کرد. ایرانجوان که در طول مسابقات لیگ دسته یک عملکرد خوبی داشت در مسابقات پلی‌اف مردانه جنگید و هم در دور رفت و هم در دور برگشت با یک بازی منطقی و جنگنده می توانست حریف خود را مغلوب سازد ولی زیبایی فوتبال به همین برد و باخت‌ها است.

تیم فوتبال شاهین بوشهر حضور خود را در لیگ برتر با هواداران پرشور خود اعلام کرد و خیلی زود هواداران این تیم بوشهری زبانزد اهالی فوتبال شدند ولی شاهین نتوانست بیشتر از چهار سال در لیگ برتر دوام بیاورد. فوتبال‌دوستان بوشهری که در مدت سه سال حضور شاهین به خوبی با لیگ برتر فوتبال خو گرفته بودند امیدوار بودند که ایرانجوان بتواند به لیگ برتر صعود کند تا همچنان بتوانند نماینده‌ای در این لیگ داشته باشند و از این طریق در سطح اول فوتبال کشور حضور داشته باشند. ولی شاهین با همه خاطرات تلخ و شیرین خود از لیگ برتر سقوط کرد تا غمی تلخ برای فوتبال‌دوستان بوشهری باشد و این هواداران چشم‌انتظار سال آینده لیگ دسته اول فوتبال باشند .



بوشهری‌ها باید حداقل یک‌سال دیگر منتظر بمانند تا شاید بتوانند نماینده‌ای در لیگ برتر فوتبال داشته باشند و بار دیگر هواداران پرشور بوشهری را در لیگ برتر ببینیم. حضور نماینده یک استان در لیگ برتر می‌تواند باعث شود تا آن استان ستارگان زیادی را به فوتبال کشور عرضه کند ولی تیم شاهین نتوانست در این ارتباط عملکرد خوبی داشته باشد چرا که این تیم هرساله با حضور بازیکنان غیر بومی بسته می‌شد.

حضور بازیکنان غیر بومی در تیم شاهین، عدم مدیریت صحیح بر تیم ، تزریق‌نشدن اعتبارات لازم به این باشگاه و وجود لایه‌های مختلف مدیریتی در تیم شاهین باعث شد تا این تیم نتواند در لیگ برتر ماندگار باشد.

کامیاب: مردم بوشهر با فوتبال زنده اند



اصغر کامیاب سرمربی تیم فوتبال شاهین پس از شکست ۴ بر یک تیمش مقابل راه‌آهن گفت: هدف ما در این دیدار کسب تجربه برای تعدادی از بازیکنان جوانی بود که فرصت حضور در طول فصل را در مسابقات نداشتند.

سرمربی شاهین درباره سقوط این تیم به لیگ دسته اول گفت: نبود شاهین در لیگ برتر به زندگی مردم بوشهر که این تیم قسمتی از زندگی آنها است لطمه می‌زند. باید از هواداران باشگاه تشکر ویژه‌ای کنم که در این مدت یار تیم بودند و کمک کردند. فوتبال همین است یکسرش باخت و روی دیگر آن برد است که متأسفانه با مشکلاتی که در باشگاه به وجود آمد منجر به سقوط تیم به دسته اول شد. کامیاب ادامه داد: امیدوارم مسئولان ورزش استان دست به دست هم بدهند و با ریشه‌یابی مشکلات اقدام به رفع آن کنند. فوتبال در بوشهر ریشه دارد و مردم به آن عشق می‌ورزند. بوشهر با فوتبال زنده است و از استان‌هایی است که از نظر تماشاگر جزو تیم‌های برتر لیگ بود و باعث افتخار فدراسیون فوتبال بوده است.

وی خاطرنشان کرد: متأسفانه نتوانسته‌ایم به نتایج دلخواه‌مان برسیم. امیدوارم فصل آینده بتوانیم دوباره شاهین را به لیگ برتر برگردانیم. کامیاب تصریح کرد: در سال‌هایی که شاهین در لیگ حضور داشت همواره در دقیقه ۹۰ ماندگار می‌شد اما امسال این اتفاق نیفتاد امیدوارم این سقوط درسی برای سال‌های آینده باشد.

باخت ایرانجوان در جهنم سنگ و فحش

روزبه چاهیبخش : از همه هواداران ایرانجوان عزیز بابت عدم صعود معذرت میخواهیم. ولی ما سرمان را بالا میگیریم. مرد می خواست در آن زمین بیاید راه برود، ولی ما مردانه بازی کردیم. به این فدراسیون بی در و پیکر باختیم. هرچند که برای اولین بار تیمی در این مرحله بدون باخت حذف شد، تیم ایرانجوان را ۴روز توی شهر نگه داشتند، ما را آماده کردن برویم تهران، اما تهران ول شد و شد درود، دوباره درود ول شد، گفتن خرم آباد، ما آماده شدیم برویم خرم آباد، دوباره این هم ول شد و به بروجرد ختم شد و تیم ما در این چند روز تنها ۳ تمرین ۴۵ دقیقه انجام داد و آخر هم بردند توی جهنم سنگ و فحش و فقط خدارا شکر می کنم که آنها رفتند بالا وگرنه خدا میدانست حالا ما کجا بودیم. خدایا شکرت که همه سالم برگشتیم، درضمن جا دار از هواداران تیم که وسط آن استادیوم ایستادند و ما را تشویق کردند تشکر کنیم.

درخشان، دلال یا سرمربی شاهین؟

مدیرکل ورزش و جوانان استان خبر رسانه های بوشهر در ابتدای فصل مبنی بر دخالت درخشان در تهیه لباس تیم را تایید کرد و در برنامه نود گفت: در ابتدای فصل زمانی که شاهین در زمین المپیک تمرین می کرد، درخشان را کنار کشیدم و با اشاره به خبرهایی که در سایت ها درباره دلالی وی برای گرفتن لباس تیم مطرح شده بود، به درخشان تذکر دادم که باشگاه ۲ میلیارد از بانک صادرات به حسابش آمده و خود قادر به تهیه لباس می باشد.



پس از این سخنان، درخشان در خصوص ماجرای تهیه لباس های شاهین از سوی وی مدعی شد: ۷۰ میلیون تومان از جیبم برای شاهین لباس با مارک ایتالیایی خریدم.

وی در پاسخ به این پرسش فردوسی پور که آیا خرید لباس وظیفه شما بود؟ بیان کرد: به خاطر عشقم به شاهین این کار را کردم!

در ادامه برنامه نود، جمشیدی با بیان اینکه درخشان از طریق ارتباط با دلال ها می خواست لباس تیم را تامین کند، گفت: درخشان تیم را بیچاره کرد و بخش عمده ای از تقصیرات سقوط بر دوش وی بود.

وی با بیان اینکه در ریز قراردادهای شاهین نیستم اما درباره اینکه برخی قراردادها بالاتر از سقف است مواردی را شنیده ام، اظهار داشت: پول ها را درخشان و منیعی ناعادلانه توزیع کردند. درخشان حتی با بازیکنی که وارد زمین شده و ۱۰ دقیقه بازی کرد لج کرد و باعث بروز آن فاجعه غیر اخلاقی در تبریز شد.

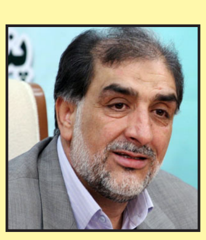
پس از پایان سخنان جمشیدی، فردوسی پور از مسعود نظرزاده پرسش هایی مطرح کرد. نظرزاده با بیان اینکه کیفیت لباس های تهیه شده از سوی درخشان متوسط بود، گفت: امسال ۲۰ میلیون تومان به بنده پرداخت شد. درباره کاپیتانی نیز خیلی ها در نوبت بودند و این موضوع برایم چندان مهم نبود.

همچنین آنجایی که درخشان او را شاهد گرفت که تیم را از هتل شیراز بیرون کرده اند محترمانه گفت که درخشان کذب می گوید و با بیان این که من خانه مادر خانمم بودم و بچه ها خودشان می خواستند بروند نشان داد بحث خروج از هتل واقعیت ندارد.

درخشان: آقایان کارشکنی کردند، با افراشته بد بودند و دوست نداشتند او و شاهین نتیجه بگیرند

سرمربی سابق شاهین بوشهر گفت : من مربی هستم و همه چیز را تشخیص می دهم، جمشیدی در کارم دخالت می کرد و انتظار داشت به زور او امثال ایمان حیدری و میثم منیعی را بازی دهم. " حمید درخشان درباره ی اظهارات جمشیدی مدیر اداره ورزش و جوانان بوشهر در برنامه نود ، گفت : برای این آقا تاسف می خورم، به من می گوید دلال، مگر من بابت البسه تیم از باشگاه پول گرفتم؟ اگر آنها پولی به من دادند به دلیل چک برگشتی بود که از همین آقایان در اختیار داشتم. او افزود : یک میلیارد پول به دست این آقا رسید تا بین تیم تقسیم کند اما در نهایت آن پول تکه تکه شد و فقط چهارصد میلیون به تیم رسید. آقایان کارشکنی کردند، با افراشته بد بودند و دوست نداشتند او و شاهین نتیجه بگیرند. سرمربی سابق شاهین که بسیار ناراحت بود در ادامه گفت : اینها که این ادعاهای پوچ را می کنند بهتر است بروند فکری به حال چکهای برگشتی خود کنند، برای آنها باید تاسف خورد. بعد از پایان فینال جام حذفی لطیفی مهاجم ما پول نداشت تا به تهران برگردد و جاسم کرار دست در جیبش کرد و صد هزار تومان پول به او داد و یا زمانی که ترکیه بودیم به خاطر تصفیه حساب با کمپ آنجا یک ساعت و نیم ما را گرو نگه داشته بودند. سرانجام یکی از دوستداران شاهین این پول را پرداخت کرد. درخشان افزود : شب قبل از حرکت به سمت ترکیه با همه این آقایان تماس گرفتیم تا حداقل ۵ میلیون پول به ما بدهند تا بتوانیم خرج روزمره تیم در اردو را تامین کنیم، هیچ کدام پاسخگو ما نبودند. همین آقا که کذب می گوید تماس گرفت و عنوان کرد از چک شخصی خود استفاده کن، آنجا هم باز یکی از دوستداران شاهین سه میلیون پول به ما داد. او که به شدت از جمشیدی ناراحت است در ادامه گفت : آقا ایراد می گیرد که چرا من در تهران اردو می زدم، اگر در تهران اردو می زدم به خاطر شکست پرسپولیس و صبا بود. من مربی هستم و همه چیز را تشخیص می دهم، او در کارم دخالت می کرد و انتظار داشت به زور او امثال ایمان حیدری و میثم منیعی را بازی دهم. مردم بوشهر بدانند افراشته انسان شریفی بود اما سایر دوستان به آنها خیانت کردند و باعث حذف تیم محبوبشان شدند.

استاندار بوشهر: درخشان دلالی بیش نبود



استاندار بوشهر با بیان اینکه درخشان دلالی بیش نبود گفت: سقوط تیم فوتبال شاهین بوشهر به لیگ دسته یک به دلیل بی‌مبالاتی حمید درخشان سرمربی سابق این تیم بود. محمدحسین جهانبخش اظهار داشت: درخشان دلالی بیش نبود و این شخص یکی از عوامل سقوط شاهین از لیگ برتر به لیگ دسته یک بود. وی افزود: بی‌عدالتی در توزیع اعتبارات و سوء مدیریت‌ها در باشگاه و تیم شاهین زمینه سقوط شاهین را فراهم کرد. جهانبخش ادامه داد: درخشان ۳۰ درصد پولی که به تیم شاهین کمک شد را برای خودش برداشت و با دلال‌بازی موجب شد شاهین نتواند موقعیت خود را در لیگ برتر حفظ کند. استاندار بوشهر یادآور شد: مردم بوشهر و هواداران شاهین با عشق و اشتیاق منتظر بودند جایگاه شاهین در لیگ برتر تغییر کند و این تیم با ماندگاری در این فصل در لیگ برتر آبروی استان بوشهر را حفظ کند. وی تصریح کرد: پولی که به شاهین کمک شد از سهم ایثارگران و شهدا و دیگر اقشار بود که حیف و میل شد و شاهین را هم به جایی نرساند./منبع: فارس

پورخسروانی: مسوولان استان خیلی راحت پشت شاهین را خالی کردند



عباس پورخسروانی یکی از بازیکنان تأثیرگذار شاهین در مورد سقوط شاهین گفت:«با تمام مشکلاتی که داشتیم معلوم بود که با این شرایط مواجه خواهیم شد. در ابتدای لیگ تیم را با دبدبه و کبکبه بستند و خیلی‌ها پول زیادی گرفتند ولی دیدید که سرنوشت شاهین چه شد. ما در ۲۰ هفته اخیر فقط یک بار استاندار را دیدیم و هیچ یک از مسوولان استان از شاهین حمایت نکردند. در هفته‌های پایانی هم فقط به خاطر خودمان و مردم بوشهر تلاش کردیم ولی متاسفانه شاهین سقوط کرد.» پورخسروانی ادامه می‌دهد:«مسوولان استان خیلی راحت پشت تیم را خالی کردند و کم کاری هم کردند. مطمئنا آه دل مردم بوشهر مسوولان استان را زمین‌گیر می‌کند چون خیلی‌ها با شاهین زندگی می‌کردند و عشق این تیم را داشتند. معلوم نیست چه سرنوشتی در انتظار شاهین خواهد بود. اگر این تیم فصل بعد به لیگ برتر صعود نکند شاید به سرنوشت استقلال اهواز یا برق شیراز دچار شود. همه مردم بوشهر می‌دانند که ایراد از بازیکنان نبود و شاهین فقط به دلیل حمایت نشدن سقوط کرد. متاسفانه برخی که دستشان از شاهین بریده شده بود آرزوی سقوط این تیم را داشتند و حالا به هدف خود رسیدند ولی خدا جوابشان را می‌دهد.»

پشت دروازه فوتبال

شاهین نیاز به خرید امتیاز ندارد

برخی شایعات از خرید امتیاز گهر توسط بوشهری ها و در راس آن افراشته خبر می دهند. وی اعلام کرد: من هیچ تمایلی به حضور مجدد در فوتبال ندارم و اگر چنین پولی وجود داشت که ده میلیارد برای خرید امتیاز یک تیم بپردازیم همان مبلغ را خرج شاهین را می کردیم. شایعه هم اگر می سازند باید کمی با منطق جور باشد.

از سوی دیگر رییسی نژاد رییس هیئت موسس شاهین هم خرید یا واگذاری امتیاز یک باشگاه لیگ برتری به بوشهر و ادامه فعالیت با نام شاهین را تکذیب کرد و گفت : هواداران به این شایعات توجه نکنند. تیم ما همانگونه که از لیگ استان خود را بالا کشید و به لیگ برتر رسید بازهم اوج می گیرد و نیازی به خرید امتیاز ندارد.

تعصب مربی که نگذاشتند به شاهین بیاید
یاوری: بعد از سقوط شاهین گریه کردم

محمود یاوری پس از تساوی بدون گل برابر صبای قم در نشست خبری حاضر شد و اظهار داشت: قول داده بودم که فجر را در لیگ نگه دارم و این موضوع محقق شد. از مدیرعامل باشگاه تشکر می‌کنم، اما مسئولان استانی باید برای فصل آینده بیش از این از تیم فجر حمایت کنند.

وی با بیان اینکه اگر بمانم فصل آینده فجرسپاسی یکی از سهمیه‌های ایران در آسیا خواهد بود، گفت: شخصیت فوتبال شیراز بالاتر از این است و باید فکری به حال زمین‌های مسابقه و امکانات شیراز کرد. از سقوط برق به لیگ دسته دو ناراحت شدم و بعد از سقوط شاهین گریه کردم.

روزنه‌های امید برای لیگ برتری شدن ایرانجوان بوشهر

اعتراض تیم ماشین‌سازی تبریز روی بازیکن تیم تربیت یزد و احتمال قرار گرفتن این تیم بالاتر از گهر لرستان روزنه‌های امید را در دل هواداران تیم ایرانجوان بوشهر و ماشین‌سازی تبریز زنده کرده است. به گزارش خبرنگار مهر، در حالی که صعود تیم گهر لرستان پس از برتری مقابل ایرانجوان بوشهر به لیگ برتر فوتبال ایران باعث شادی مردم این استان و بازیکنان و مجموعه باشگاه گهر زاگرس شده است ولی با اعتراض تیم ماشین‌سازی تبریز، احتمال عدم حضور گهر در لیگ برتر قوت گرفته است.

با توجه به تساوی بازی تیم‌های شهرداری تبریز و تربیت یزد از سری مسابقات لیگ دسته اول و در پی آن شکایت تیم شهرداری تبریز از تیم تربیت یزد مبنی بر استفاده کردن این تیم یزدی از یک بازیکن سرباز با شرایط خاص، چنانچه رای کمیته انظباطی فدراسیون فوتبال به نفع تیم ماشین سازی تبریز اعلام شود، این تیم تبریزی به عنوان تیم دوم گروه خود با امتیازی بالاتر از گهر زاگرس باید به مصاف تیم ایرانجوان بوشهر برود.

هرچند این احتمالات فعلا روی کاغذ به عنوان روزنه امید تیم های ایرانجوان بوشهر و ماشین سازی تبریز مطرح است، ولی همچنان امیدها را برای هواداران پرشور این دو تیم، برای لیگ برتری شدن زنده نگه داشته است.

استارت شاهین از ۲۰ خرداد

رییس جدید هیئت موسس باشگاه با حضور در برنامه رادیویی «فوتبال بوشهری» گفت: «برنامه ما این است که از بین هیئت موسس و دیگر نیروهای بومی یک هیئت مدیره قوی تشکیل دهیم و با انتخاب مدیرعامل و سرمربی از ۲۰ خرداد برای بازگشت به لیگ برتر استارت بزنیم. از مدیران سابق هم تشکر می کنم» مهرزاد رییسی نژاد ادامه داد« اینکه می گویند بازیکنان را جریمه کرده ایم صحت ندارد و ما دنبال انتقام نیستیم. یکسری بی نظمی ها و مسائل دیگر بوده که با بررسی آنها میزان دقیق بدهی ها معلوم می شود. این بار به بومی ها اعتماد می کنیم و چشم امیدمان به امام جمعه و استاندار و جمشیدی است.»

وی در خصوص طوماری که به نام جمعی از هواداران به رادیو فرستاده شده و خواستار کنار رفتن هیئت موسس شده بودند گفت « اینها چند نفر هوادار هستند که در این سالها یک ونیم میلیارد به باشگاه ضرر وارد کرده اند و نظرشان برایمان مهم نیست. جمع در فرهنگ ما به دو نفر به بالا می گویند و اینها عده محدود و شناخته شده ای هستند. ما از هواداران واقعی عذر می خواهیم و انشاالله با قدرت برمی گردیم»

عبداله کرمی: مشکلات مدیریتی باعث سقوط شاهین شد

عبداله کرمی بازیکن سابق بوشهر و این فصل فولاد خوزستان از عدم نتیجه‌گیری تیم جلالی ناراحت است. وی در تمامی پست ها به میدان رفته حتی دروازه بانی!

وی درباره سقوط شاهین گفت: خیلی ناراحتم از اینکه شاهین سقوط کرد. مشکلات مدیریتی باعث چنین اتفاقی شد. فکر می‌کردم امسال شاهین جزو ۶ تیم اول لیگ باشد ولی مسائل مدیریتی، تغییر زیاد مربیان و البته مشکلات مالی و عدم تقسیم درست پول باعث شد به چنین روزی بیفتد. حیف بود تیم شاهین با آن همه طرفدار متعصب و پرشور سقوط کند.

پیشنهاد جالب بازیکن شاهین: تیم را بفروشید به من!

بازیکن شاهین بوشهر از مسوولان این باشگاه خواست تیم را به او بفروشند!

مهدی نوری گفت:"من ۴۰۰ میلیون از باشگاه طلب دارم. فکر نکنم حالا امتیاز این باشگاه از ۷۰۰ میلیون بیشتر باشد. از مسوولان می خواهم تا امتیاز تیم را به من بفروشند. قول می دهم از آنها بهتر تیمداری کنم."

نوری که از سقوط شاهین بسیار ناراحت بود، افزود: "اصلا نمی دانستیم مسوول تیم کیست. شب مدیرعامل معرفی می کردند، صبح می گفتند طرف نتوانست با شرایط ما کنار بیاید. همه می دانند که دلیل سقوط شاهین چه بوده است."

پشت دروازه فوتبال

محمدپور: درخشان باعث افزایش تنش‌های شاهین شد

مهرداد محمدپور در خصوص دلایل سقوط تیم شاهین به رقابت‌های لیگ آزادگان گفت: شیوه نادرست مدیریت در مجموعه شاهین، نبود حمایت‌های لازم در استان بوشهر و نوع ساختار این باشگاه با وجود هیئت موسسین به موازات هیئت مدیره از دلایل سقوط تیم شاهین عنوان کرد.

مدیرعامل باشگاه شاهین با تاکید براینکه بازگشت مجدد درخشان به تیم فوتبال این باشگاه تصمیمی اشتباه بود، اظهار داشت: درخشان در دومین حضور خود در باشگاه شاهین باعث شد تنش‌ها درون تیم و مجموعه باشگاه افزایش پیدا کند. در اتخاذ تصمیم بازگشت دوباره درخشان من نقشی نداشتم. با حضور وی ما یک مقطع مهم زمانی را از دست دادیم، شاید اگر در آن زمان مسئولیت فنی تیم را به کامیاب می‌سپردیم، حاشیه‌های تیم کمتر می‌شد و سقوط نمی‌کردیم.

جریمه ٤٠ درصدی بازیکنان

سقوط شاهین بوشهر به لیگ دسته اول باعث شد تا باشگاه در اندیشه جریمه بازیکنان باشد. شنیده می شود قرار است ۴۰ درصد از قرارداد بازیکنان به عنوان جریمه کسر شود. یکی از نزدیکان باشگاه اعلام کرد: هنوز این میزان جریمه قطعی نشده اما به هرحال تیمی که قیمتش از ۱۲میلیارد به ۶۰۰میلیون می رسد باید جریمه ها را لحاظ کند. فصل قبل استیل آذین ۵۰ درصد قراردادها را کسر کرد.

کوچ مهره ها

با سقوط شاهین به دسته اول بازیکنان این تیم هم در تیررس سایر تیم ها قرار گرفته اند. لک چیرا و ایوان پتروویچ (سایپا)، نظرزاده (فولاد خوزستان)، طالب لو و شکوری(پرسپولیس)؛ ایران نژاد (سپاهان)، پورخسروانی (مس و ذوب آهن)، تنهایی(آلومینیوم)، عزیزمحمدی(پیکان)، تنهایی و مهدی نوری(فجر). این خبرهای شفاهی این روزهای اردوگاه شاهین است./گل

تبعیض در پرداختی طالب لو و رفقایش و تضعیف شاهین

بی شک یکی از علل سقوط شاهین، تبعض در پرداخت ها و نبود رفاقت بود. همان چیزی که نظرزاده بدرستی در برنامه نود به آن اشاره کرد. در مقابل وحید طالب لو هم نتوانست مقابل ادله های محکم عادل قرارداد ۸۰۰ میلیونی اش را کتمان کند. ۸۰۰ میلیونی که ۴۰۰ میلیون آن اول فصل، ۴۰ میلیون اواسط فصل و چک ۲۰۰ میلیونی اش هم بعد از مصدومیت او پاس شده است. همه بینندگان برنامه نود دانستند که آنجایی که بهروان سقف قراردادها را مورد انتقاد قرار داد اشاره به طالب لو داشت. او می گفت بازیکن آمده می گوید من ۸۰۰ میلیون قرارداد داشتم ۶۴۰ میلیون گرفته ام و ۱۶۰ میلیونش باقی مانده.... وقتی بازیکنان می بینند که چنین ناعدالتی ها صورت گرفته و بعد همان بازیکنان که بیشترین دریافتی را داشته اند قبل از پایان فصل شکایت هم می کنند چگونه باید رفاقت پابرجا می ماند؟ تیمی که در آن رفاقت نباشد باید هم سقوط کند. طالب لو بی دلیل از صراحت لهجه نظرزاده گلایه کرد. او چیزی غیر از واقعیت نگفت و امکان ندارد در چنین تیمی رفاقت وجود داشته باشد.

منفعت طلبی فوتبال کثیف

در جدال میان صداقت بوشهری ها و فوتبال کثیف، بوشهری ها شکست خوردند. منفعت طلبی روی دیگری از این فوتبال کثیف بود. در حالیکه بازیکنان شاهین به شدت به پول تزریقی به این تیم احتیاج داشتند، درخشان خیلی راحت ۱۰۰ میلیون از ۴۰۰ میلیون تزریق شده به باشگاه را برداشت. طالب لو وشکوری بیشترین دریافتی را دارند و شکایت هم می کنند. اینچنین منفعت طلبی و خودخواهی آیا به تولید جزیره های متعدد در تیم منجر نمی شود؟ کسی نمی پرسد تیمی که بدهکار است چرا بازیکن ۸۰۰ میلیونی می گیرد؟ چرا در این باشگاه کسی دنبال مصوبه ۱۰ میلیاردی رییس جمهور نرفت تا وقتی پیگیری شد که اولا به ۵ میلیارد رسید و بعد هم کمک به فوتبال ممنوع بود؟ اگر آن پول به حساب باشگاه می آمد بدهی سه میلیاردی فصل قبل و هزینه های این فصل را پوشش نمی داد؟

میثاقیان: نبودن توان مالی کافی عامل سقوط شاهین بود

سرمربی سابق شاهین بوشهر با بیان اینکه هنوز مسئولان شاهین تیم پول مرا نداده‌اند، گفت: امروز مسئولان شاهین می دانند که میثاقیان فصل قبل با چه سختی توانست شاهین را با چهار بازی در لیگ برتر نگه دارد، واقعا ماندن شاهین در لیگ معجزه بود.

وی اظهارداشت: بوشهر مردمی خونگرم و فوتبال دوست دارد، در زمان کوتاهی که در این استان بودم جز خوبی و محبت چیزی از این مردم ندیدم و امیدوارم این استان سهمیه لیگ برتری را به دست بیاورد. اکبر میثاقیان در ادامه در مورد دلایل حضور مقطعی تیمهای لیگ یکی در لیگ برتر اظهارداشت: عدم مدیریت حرفه ای، بی برنامگی و تجربه دلایل حضور مقطعی تیمهای لیگ یکی در لیگ برتر است. میثاقیان افزود: نبود تجربه، درایت و برنامه تیمهای لیگی یکی را در لیگ برتر به یک مهمان تبدیل کرده و موجب شده تا این تیمهای بعد از یک فصل یا دو فصل دوباره به لیگ یک سقوط کنند. وی در خصوص علل سقوط تیمهای شهرداری تبریز و شاهین بوشهر افزود: شهرداری به دلیل حاشیه ها و شاهین به دلیل نبود توان مالی کافی سبب شد تا نتوانند در لیگ برتر ماندگار شوند.